

۳	 Appendix I: Deputies' Name of Religious Minorities
۳	 فهرست اسامی نمایندگان اقلیت های دینی در ۲۴ دوره مجلس شورای ملی (۱۳۵۷ - ۱۲۸۵) *
	 فهرست اسامی نمایندگان اقلیت های دینی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و ده دوره مجلس شورای ملی
۱	 و بعدا اسلامی (۱۹۸۱/۱۳۵۹ - ۲۰۲۰/۱۳۹۹).....
۲	 Appendix II: The Selected Laws and Regulations (1906-2018/1285-1397)
۲	 * نظام نامه انتخابات مجلس شورای ملی ۱۹۰۶/۱۳۲۴ The Electoral Law
۳	 * نظام نامه انتخابات ۱۹۱۱/۱۳۲۹ The Electoral Law
۳	 * قانون اساسی ۱۹۰۶/۱۳۲۴ The Constitution
۴	 * متمم قانون اساسی ۱۹۰۷/۱۳۲۵ The Supplement
۴	 کلیات
۴	 حقوق ملت ایران
۵	 قوای مملکت
۵	 حقوق سلطنت ایران
۶	 راجع به وزرا
۶	 محاکم
۷	 در خصوص مالیه
۷	 * قانون اساسی ۱۹۷۹/۱۳۵۸ جمهوری اسلامی ایران The Constitution and Its Modification
۷	 مقدمه
۸	 فصل اول: اصول کلی
۱۰	 فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور
۱۰	 فصل سوم: حقوق ملت
۱۳	 فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن
۱۴	 فصل ششم: قوه مقننه
۱۶	 فصل هشتم: رهبر یا شورای رهبری
۱۸	 فصل نهم: قوه مجریه
۲۰	 فصل یازدهم: قوه قضائیه
۲۰	 * قانون مدنی (۱۹۲۸/۱۳۰۷ - ۱۹۷۹/۱۳۵۷) The Civil Code
۲۱	 ماده واحده در خصوص ایرانیان غیرشیعه
۲۲	 تغییرات قانون مدنی (۱۹۷۹/۱۳۵۷ - ۲۰۱۸/۱۳۹۶)
۳۶	 The Penal Code (۱۹۷۹/۱۳۵۷ - ۱۹۲۵/۱۳۰۴) قانون مجازات عمومی

۳۷	 Modifications	* قانون مجازات اسلامی (۱۳۶۱/۱۹۸۱ - ۱۳۹۷/۲۰۱۸) The Islamic Penal Code and Its
۴۶	 The Other Regulations	* قوانین متفرقه (۱۳۵۷-۱۳۸۵ ش؛ ۱۹۰۶ - ۱۹۷۹)
۴۷	 The Other Regulations	* قوانین متفرقه (۱۳۵۷-۱۳۸۶؛ ۱۹۷۹ - ۲۰۰۶)
۴۷		* قانون فعالیت احزاب، ... اقلیتهای دینی (۱۳۶۱/۳/۳۰ - ۱۹۸۲)
۴۸		- اصلاح قانون ثبت احوال (۱۳۶۳/۱۰/۲۴ - ۱۹۸۴)
۴۹		قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش (۱۳۷۴/۶/۱۴ - ۱۹۹۵)
		قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها
۵۰		و مؤسسات و شرکت‌های دولتی (۱۳۷۵/۲/۹ - ۱۹۹۳)
۵۰		- قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوبه ۱۳۷۲/۹/۱۷ - ۱۹۹۳)
۵۱		قانون مرخصی ویژه اقلیتهای دینی
۵۱		- فهرست اعیاد مذهبی و مناسبت‌های قومی اقلیتهای زرتشتی، کلیمی و مسیحی
		- آیین‌نامه نحوه پرداخت یارانه به احزاب و گروه‌های مشمول از جمله اقلیتهای دینی شناخته شده
۵۳		(۱۳۸۰، ۰۸، ۳۰ - ۲۰۰۱)
۵۳		* آخرین تغییرات

Appendix I: Deputies' Name of Religious Minorities

*فهرست اسامی نمایندگان اقلیت های دینی در ۲۴ دوره مجلس شورای ملی (۱۲۸۵-۱۳۵۷)

دوره مجلس	زرتشتیان	ارامنه شمال	ارامنه جنوب	کلیمیان	آشوریان، کلدانیان	سال
اول	ارباب جمشید	-	-	-	-	۱۹۰۶/۱۲۸۵- ۱۹۰۸/۱۲۸۷
دوم	ارباب کیخسرو شاهرخ	-	یوسف خان میرزا یانس	لقمان نهورای	-	۱۹۰۹/۱۲۸۸- ۱۹۱۱/۱۲۹۰
سوم	"	-	" (به مجلس نیامد)	"	-	۱۹۱۴/۱۲۹۳- ۱۹۱۵/۱۲۹۴
چهارم	"	-	یوسف خان میرزا یانس	"	-	۱۹۲۱/۱۳۰۰- ۱۹۲۳/۱۳۰۲
پنجم	"	مسیو سهراب خان ساگینیان	الکساندر آقایان	لقمان نهورای	-	۱۹۲۴/۱۳۰۲- ۱۹۲۶/۱۳۰۴
ششم	"	"	اوانس خان مساعد (۱۳۰۶) استعفا داد)	لقمان نهورای	-	۱۹۲۶/۱۳۰۵- ۱۹۲۸/۱۳۰۷
هفتم	"	"	یوسف خان میرزایانس	"	-	۱۹۲۸/۱۳۰۷- ۱۹۳۰/۱۳۰۹
هشتم	"	"	"	"	-	۱۹۳۰/۱۳۰۹- ۱۹۳۳/۱۳۱۱
نهم	"	"	"	"	-	۱۹۳۳/۱۳۱۱- ۱۹۳۵/۱۳۱۴

دهم	"	"	"	(درگذشت)	"	۱۹۳۵/۱۳۱۴ ۱۹۳۷/۱۳۱۶
یازدهم	(درگذشت)	"	"	جبرائیل بودا غیان	"	۱۹۳۷/۱۳۱۶ ۱۹۳۹/۱۳۱۸
دوازدهم	رستم گیو	"	"	"	"	۱۹۳۹/۱۳۱۸ ۱۹۴۱/۱۳۲۰
سیزدهم	"	"	"	"	"	۱۹۴۱/۱۳۲۰ ۱۹۴۳/۱۳۲۲
چهاردهم	"	ارداشس آوانسیان	الکساندر آقایان	مراد اریه	-	۱۹۴۴/۱۳۲۲ ۱۹۴۶/۱۳۲۴
پانزدهم	"	آرام بودا غیان	(در این حوزه انتخابات برقرار نشد)	" (رد اعتبار نامه)	-	۱۹۴۷/۱۳۲۶ ۱۹۴۹/۱۳۲۸
شانزدهم	"	"	پطرس آبکار	موسی برال	-	۱۹۵۰/۱۳۲۸ ۱۹۵۲/۱۳۳۰
هفدهم	انتخابات انجام نشد	انتخابات انجام نشد	انتخابات انجام نشد	انتخابات انجام نشد	انتخابات انجام نشد	۱۹۵۲/۱۳۳۱ ۱۹۵۳/۱۳۳۲
هیجدهم	رستم گیو	آرام بودا غیان سلماسی	بهرام سهرابیان	مراد اریه	-	۱۹۵۴/۱۳۳۳ ۱۹۵۶/۱۳۳۵
نوزدهم	"	سواک ساگینیان	فلیکس آقایان	"	-	۱۹۵۶/۱۳۳۵ ۱۹۶۰/۱۳۳۹
بیستم	اسفندیار یگانگی	فلیکس آقایان	سواک ساگینیان	"	(انتخابات انجام نشد)	۱۹۶۰/۱۳۳۹ ۱۹۶۱/۱۳۴۰
بیست ویکم	"	"	"	جمشید کشفی	ویلهم (ویلیام) ابراهیم	۱۹۶۳/۱۳۴۲ ۱۹۶۷/۱۳۴۶
بیست ودوم	"	گاگیک هواکیمیان	"	لطف الله حی	ویلسون بیت منصور	۱۹۶۷/۱۳۴۶ ۱۹۷۱/۱۳۵۰
بیست	اسفندیار	"	"	"	"	۱۹۷۱/۱۳۵۰

۱۹۷۵/۱۳۵۴					یگانگی (فوت): ۱۳۵۱ و بوذرجمهر مهر	وسوم
-۱۹۷۵/۱۳۵۴ ۱۹۷۴/۱۳۵۴	هومر آشوریان	یوسف کهن	"	بانواما (اردو خانیان) آقایان	بوذرجمهر مهر	بیست و چهارم

فهرست اسامی نمایندگان اقلیت های دینی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و ده دوره مجلس شورای ملی
و بعدا اسلامی (۱۳۵۹/۱۳۸۱ - ۱۳۹۹/۲۰۲۰)

دوره مجلس	زرتشتیان	ارامنه شمال	ارامنه جنوب	کلیمیان	آشوریان، کلدانیان	سال
مجلس بررسی نهایی قانون اساسی	رستم شهزادی	هرایر خالاتیان	-	عزیز دانش راد	سرگن بیت اوشانا	۱۳۵۸/۱۹۷۹
اول	پرویز ملک پور	هرایر خالاتیان	هراچ خاچاطوریان	خسرو ناقی	سرگن بیت اوشانا	۱۳۵۹/۱۹۸۰ - ۱۳۶۳/۱۹۸۴
دوم	"	وارطان وارتانیان	آرطاواس باغومیان	منوچهر کلیمی نیکروز	آتور خنانشو	۱۳۶۳/۱۹۸۴ - ۱۳۶۷/۱۹۸۸
سوم	افلاطون ضیافت	"	"	"	"	۱۳۶۷/۱۹۸۸ - ۱۳۷۱/۱۹۹۲
چهارم	پرویزروانی	"	"	کورس کیوانی	شمشون مقصود پور سیر	۱۳۷۱/۱۹۹۲ - ۱۳۷۵/۱۹۹۶
پنجم	"	"	"	منوچهر الیاسی	"	۱۳۷۵/۱۹۹۶ - ۱۳۷۹/۲۰۰۰
ششم	خسرو دبستانی	لون داویدیان	ژرژیک ابرامیان	موریس معتمد	یونانتن بت کلیا	۱۳۷۹/۲۰۰۰ - ۱۳۸۳/۲۰۰۵
هفتم	کوروش نیکنام	گیورگ وارطان	روبرت بگلریان	"	"	۱۳۸۳/۲۰۰۵ - ۱۳۸۷/۲۰۰۸
هشتم	اسفندیار اختیاری	"	"	سیامک مره صدق	"	۱۳۸۷/۲۰۰۸ - ۱۳۹۱/۲۰۱۲
نهم	"	کارن	"	"	"	۱۳۹۱/۲۰۱۲

۲۰۱۶/۱۳۹۵				خانلری		
۲۰۱۶/۱۳۹۵	"	"	ژرژیک	"	"	دهم
۲۰۲۰/۱۳۹۹			ابرامیان			

Appendix II: The Selected Laws and Regulations (1906-2018/1285-1397)

* نظام نامه انتخابات مجلس شورای ملی ۱۹۰۶/۱۳۲۴ The Electoral Law

- ماده اول: انتخاب کنندگان ملت در ممالك محروسه ایران از ایالات و ولایات باید از طبقات ذیل باشند:
شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، ملاکین و فلاحین و اصناف.
- ماده سوم: اشخاصی که از انتخاب نمودن کلیتا محروم هستند از قرار تفصیل اند:
اولا طایفه نسوان.
ثانیا اشخاص خارج از رشد و آنهایی که محتاج به قیم شرعی می باشند.
ثالثا تبعه خارجه.
- رابعا اشخاصی که سن آنها کمتر از بیست و پنج سال باشد.
خامسا اشخاصی که معروف به فساد عقیده هستند.
- ماده پنجم: اشخاصی که از انتخاب شدن محروم هستند:
اولا طایفه اِناثیه
ثانیا تبعه خارجه
سادسا آنهایی که سنشان از سی سال کمتر باشد.
سابعا اشخاصی که معروف به فساد عقیده هستند و متظاهر به فسق.
- ماده هفتم: هر يك از انتخاب کنندگان صاحب يك رأى می باشند و فقط در يك طبقه می توانند انتخاب کنند.

* نظام نامه انتخابات ۱۹۱۱/۱۳۲۹ The Electral Law

- ماده اول - عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران یکصد و سی و شش نفر است.
- ماده دوم - تقسیم نمایندگان ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات از قرار شرح جدولی است که به آخر این قانون منضم شده است (مطابق جدول هر یک از اقلیتهای زرتشتی، کلیمی، مسیحی ارمنی و آشوری حق یک نماینده در مجلس شورای ملی دارند).
- ماده دهم - کسانی که از حق انتخاب کردن محرومند:
- نسوان.
- کسانی که خارج از رشد و آنهایی که در تحت قیمومت شرعی هستند.
- تبعه خارجه.
- اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع الشرایط به ثبوت رسیده باشد.
- ماده دوازدهم - انتخاب شوندگان باید دارای صفات ذیل باشند:
- متدین به دین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله باشند مگر اهل دیانت از نمایندگان ملل متنوعه (مسیحی و زرتشتی و کلیمی).
- تبعه ایران باشند.
- در محل انتخاب معروف باشند.
- سن ایشان کمتر از سی و زیاده از هفتاد سال نباشد.
- معروف به امانت و درستکاری باشند.

* قانون اساسی ۱۹۰۶/۱۳۲۴ The Constitution

- اصل اول: مجلس شورای ملی به موجب فرمان مَعْدَلت بنیان مورخه چهاردهم جمادی الآخره ۱۳۲۴ مؤسس و مُقَدَّر است.
- اصل دوم: مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند.
- اصل بیست و سوم: بدون تصویب مجلس شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکت های عمومی از هر قبیل و به هر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد.
- اصل بیست و پنجم: استقراض دولتی به هر عنوان که باشد، خواه از داخله خواه از خارجه، با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود.

* متمم قانون اساسی ۱۳۲۵/۱۹۰۷ The Supplement

کلیات

- اصل اول: مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است. باید پادشاه ایران دارا و مروّج این مذهب باشد.

- اصل دوم: مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله و مراقبت حجاج اسلامیه کثر الله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است، باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامی برعهده علمای اعلام آدام الله برکات وجودهم بوده و هست، لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند، به این طریق که علمای اعلام و حجاج اسلام مرجع تقلید شیعه، اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند، پنج نفر از آنها را یا بیشتر به مقتضای عصر، اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده به سمت عضویت بشناسند تا موادی که در مجلسین عنوان می‌شود، به دقت مذاکره و غوررسی نموده هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علما در این باب مطاع و متبّع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود.

- اصل ششم: جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است، مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثنا می‌کند.

- اصل هفتم: اساس مشروطیت جزء و کلاً تعطیل بردار نیست.

حقوق ملت ایران

- اصل هشتم: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.

- اصل نهم: افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد، مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت تعیین می‌نماید.

- اصل دهم: غیر از مواقع ارتکاب جُنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچ کس را نمی‌توان فوراً دستگیر نمود، مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه برطبق قانون، و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و إشعار شود.

- اصل دوازدهم: حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود، مگر به موجب قانون.

- اصل سیزدهم: منزل و خانه هرکس در حفظ و امان است. در هیچ مسکنی قهراً نمی‌توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

- اصل چهاردهم: هیچ یک از ایرانیان را نمی‌توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور به اقامت محل معینی نمود، مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.
- اصل پانزدهم: هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد، مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است.
- اصل شانزدهم: ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون.
- اصل هفدهم: سلب تسلط ملاکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون.
- اصل هیجدهم: تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است، مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.
- اصل بیستم: عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آن‌ها ممنوع است، ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آن‌ها مشاهده شود، نشر دهنده یا نویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و مؤرّع از تعرّض مّصون هستند.
- اصل بیست و یکم: انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مُخلّ به نظم نباشند در تمام مملکت آزاد است، ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مُقرر می‌کند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدان‌های عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند.

قوای مملکت

- اصل بیست و ششم: قوای مملکت ناشی از ملت است، طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین می‌نماید.
- اصل بیست و هفتم: قوای مملکت به سه شعبه تجزیه می‌شود:
- اول) قوه مقننه که مخصوص است به وضع و تهذیب قوانین، و این قوه ناشی می‌شود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا، و هر یک از این سه منشأ حق انشاء قانون را دارد، ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح به صحه ی همایونی، لکن وضع و تصویب قوانین راجعه به دخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است، شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است.
- دویم) قوه قضائیه و حکمیه، که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شریعات و به محاکم عدلیه در عرفیات.
- سیم) قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است، یعنی قوانین و احکام به توسط وزراء و مأمورین دولت به نام نامی اعلیحضرت همایونی اجرا می‌شود به ترتیبی که قانون معین می‌کند.
- اصل بیست و هشتم: قوای ثلثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.

حقوق سلطنت ایران

- اصل سی و پنجم: سلطنت ودیعه ای است که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده.

- اصل سی و ششم: سلطنت مشروطه ی ایران در شخص اعلیحضرت شاهنشاهی السلطان محمدعلی شاه قاجار ادام الله سلطنته و اعقاب ایشان نسلأ بعد نسل برقرار خواهد بود.

- اصل چهل و چهارم: شخص پادشاه از مسئولیت مبرا است، وزرای دولت در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند.

- اصل چهل و پنجم: کلیه قوانین و دستخط های پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا می شود که به امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است.

- اصل چهل و هفتم: اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است.

- اصل پنجاهم: فرمانفرمایی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه است.

- اصل پنجاهم و یکم: اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است.

- اصل پنجاه و چهارم: پادشاه می تواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را به طور فوق العاده امر به انعقاد فرمایند.

راجع به وزرا

- اصل پنجاه و هشتم: هیچ کس نمی تواند به مقام وزارت برسد مگر آن که مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران باشد.

- اصل پنجاه و نهم: شاهزادگان طبقه اول یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمی توانند به وزارت منتخب شوند.

- اصل شصت و یکم: وزرا علاوه بر این که به تنهایی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند، به هیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند.

محاکم

- اصل هفتاد و یکم: دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است.

- اصل هفتاد و دوم: منازعات راجعه به حقوق سیاسیه مربوط به محاکم عدلیه است، مگر در مواقعی که قانون استثنا نماید.

- اصل هفتاد و سیم: تعیین محاکم عرفیه منوط به حکم قانون است و کسی نمی تواند به هیچ اسم و رسم محکمه ای برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید.

- اصل هفتاد و چهارم: هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر به حکم قانون.

- اصل هفتاد و ششم: انعقاد کلیه محاکمات علنی است، مگر آن که علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد. در این صورت لزوم اخفا را محکمه اعلان می نماید.

- اصل هفتاد و نهم: در مواد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات، هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.

اصل هشتاد و دوم: تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمی‌شود مگر به رضای خود او.

اصل هشتاد و ششم: در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد به ترتیبی که در قوانین عدلیه مطرح است.

اصل هشتاد و هفتم: حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی به موجب مقررات قانون به محکمه تمیز راجع است. محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تاسیس خواهد شد.

در خصوص مالیه

- اصل نود و چهارم: هیچ قسم مالیات برقرار نمی‌شود مگر به حکم قانون.
- اصل نود و پنجم: مواردی را که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود.
- اصل نود و هفتم: در موارد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد.
- اصل نود و هشتم: تخفیف و معافیت از مالیات منوط به قانون مخصوص است.
- اصل نود و نهم: غیر از مواقعی که قانون صراحتاً مستثنی می‌دارد به هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمی‌شود، مگر به اسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی.

* قانون اساسی ۱۳۵۸/۱۹۷۹ جمهوری اسلامی ایران The Constitution and Its Modification

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی میباشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبد.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است، ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبهار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکورد کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرك نوینی یافت...

فصل اول: اصول کلی

اصل اول: حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یک هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رای داشتند، به آن رای مثبت داد.

اصل دوم: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

- ۱ - خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
- ۲ - وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
- ۳ - معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
- ۴ - عدل خدا در خلقت و تشریع.
- ۵ - امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.
- ۶ - کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه : الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین، ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها، ج - نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند.
- اصل سوم: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

- ۱ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
- ۲ - بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر.
- ۳ - آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴ - طرح کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۵ - محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

۷ - تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹ - رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی.

۱۱ - تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۴ - تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۱۵ - توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

۱۶ - تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

اصل پنجم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): در زمان غیبت حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است، که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد.

اصل پنجم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد.

اصل ششم: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نمایندگان اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

اصل هفتم: طبق دستور قرآن کریم: "و امرهم شوری بینهم" و "شاورهم فی الامر" شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می کند.

اصل نهم: در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و احاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال

سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل یازدهم: به حکم آیه کریمه "ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون" همه مسلمانان يك امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل دوازدهم: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر يك از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

اصل سیزدهم: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند.

اصل چهاردهم: به حکم آیه شریفه "لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوا فی الدین و لم یخرجوا من دیارکم آن تبرؤهم و تُقسطوا الیهم انّ الله یُحبّ المقسطین" دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور

اصل پانزدهم: زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

فصل سوم: حقوق ملت

اصل نوزدهم: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱ - ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او.
- ۲ - حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان، و حمایت از کودکان بی سرپرست.
- ۳ - ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کبان و بقای خانواده.
- ۴ - ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.
- ۵ - اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

اصل بیست و دوم: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و چهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

اصل بیست و پنجم: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل بیست و ششم: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم: تشکیل اجتماعات و راه پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل بیست و هشتم: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به

صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای يك يك افراد کشور تأمین کند.

اصل سی ام: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل سی و یکم: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل سی و دوم: هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل سی و سوم: هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

اصل سی و چهارم: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم: در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم: حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم: اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم: هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل سی و نهم: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهل: هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل چهل و یکم: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل چهل و دوم: اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن

اصل پنجاه و ششم: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می آید اعمال می کند.

اصل پنجاه و هفتم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می گردد.

اصل پنجاه و هفتم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

اصل پنجاه و هشتم: اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد.

اصل پنجاه و نهم: در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

اصل شصتم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و نخست وزیر و وزرا است.

اصل شصتم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزرا است.

اصل شصت و یکم: اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

فصل ششم : قوه مقننه

اصل شصت و چهارم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): عده نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است و پس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر يك نماینده اضافه می شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام يك نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً يك نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام يك نماینده انتخاب می کنند و در صورت افزایش جمعیت هر يك از اقلیت ها پس از هر ده سال به ازای هر یکصد و پنجاه هزار نفر اضافی يك نماینده اضافی خواهند داشت. مقررات مربوط به انتخابات را قانون معین می کند.

اصل شصت و چهارم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام يك نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً يك نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام يك نماینده انتخاب می کنند. محدوده حوزه های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می کند.

اصل شصت و هفتم: نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم نامه را امضا نمایند.

بسم الله الرحمن الرحيم

«من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می کنم»

نمایندگان اقلیتهای دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد. نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه ای که حضور پیدا می کنند مراسم سوگند را به جای آورند.

اصل هفتاد و دوم: مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.

اصل هفتاد و نهم: برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیتهای ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

اصل نود و یکم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود:

۱ - شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با رهبر یا شورای رهبری است.

۲ - شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله شورای عالی قضایی به مجلس شورای ملی معرفی می شوند و با رأی مجلس انتخاب می گردند.

اصل نود و یکم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود.

۱ - شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲ - شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای ملی معرفی می شوند و با رأی مجلس انتخاب می گردند.

اصل نود و دوم: اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضا هر گروه به قید قرعه تغییر می یابند و اعضای تازه ای به جای آنها انتخاب می شوند.

اصل نود و ششم: تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

اصل نود و نهم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): شورای نگهبان نظارت بر انتخاب رئیس جمهور، انتخابات مجلس شورای ملی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

اصل نود و نهم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

اصل یکصد و پنجم: تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

فصل هشتم: رهبر یا شورای رهبری

اصل یکصد و هفتم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): هر گاه یکی از فقهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد، همان گونه که در مورد مرجع عالیقدر تقلید و رهبر انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی چنین شده است، این رهبر، ولایت امر و همه مسئولیتهای ناشی از آن را بر عهده دارد، در غیر این صورت خبرگان منتخب مردم درباره همه کسانی که صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند بررسی و مشورت می کنند، هر گاه يك مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند او را به عنوان رهبر به مردم معرفی می نمایند، وگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می کنند.

اصل یکصد و هفتم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی "قدس سره الشریف" که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقها واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می کنند؛ هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل یکصد و نهم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): شرایط و صفات رهبر یا اعضای شورای رهبری:

- ۱ - صلاحیت علمی و تقوایی لازم برای افتا و مرجعیت.
- ۲ - بینش سیاسی و اجتماعی و شجاعت و قدرت و مدیریت کافی برای رهبری.

اصل یکصد و نهم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): شرایط و صفات رهبر:

- ۱ - صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه.
- ۲ - عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.
- ۳ - بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد

واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.

اصل یکصد و دهم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): وظایف و اختیارات رهبری:

- ۱ - تعیین فقهای شورای نگهبان.
- ۲ - نصب عالیترین مقام قضایی کشور.
- ۳ - فرماندهی کلی نیروهای مسلح به ترتیب زیر: الف - نصب و عزل رئیس ستاد مشترک. ب - نصب و عزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. ج - تشکیل شورای عالی دفاع ملی، مرکب از هفت نفر از اعضای زیر: - رئیس جمهور. - نخست وزیر. - وزیر دفاع. - رئیس ستاد مشترک. - فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. - دو مشاور به تعیین رهبر. د - تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه گانه به پیشنهاد شورای عالی دفاع. هـ - اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها به پیشنهاد شورای عالی دفاع. و - امضای حکم ریاست جمهور پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد. ۵ - عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رای مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او. ۶ - عفو یا تخفیف مجازات محکومین، در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد دیوان عالی کشور.

اصل یکصد و دهم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): وظایف و اختیارات رهبر:

- ۱ - تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۲ - نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام.
- ۳ - فرمان همه پرسی.
- ۴ - فرماندهی کل نیروهای مسلح.
- ۵ - اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها.
- ۶ - نصب و عزل و قبول استعفا: الف - فقهای شورای نگهبان. ب - عالیترین مقام قوه قضائیه. ج - رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. د - رئیس ستاد مشترک. هـ - فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. و - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.
- ۷ - حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.
- ۸ - حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۹ - امضا حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
- ۱۰ - عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف

قانونی، یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتم و نهم.

۱۱- عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه. رهبر می تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

اصل یکصد و یازدهم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود بر کنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می باشد. در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورای مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها، در شورا به جای وی منصوب می گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمت های (د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می کند. هر گاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده دار خواهد بود.

اصل یکصد و یازدهم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): هر گاه رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری از انجام وظایف قانونی رهبری ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل یکصد و نهم گردد از مقام خود بر کنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است. مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل در اولین اجلاس خبرگان تعیین می شود.

فصل نهم : قوه مجریه

مبحث اول- ریاست جمهوری و وزراء

اصل یکصد و سیزدهم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد.

اصل یکصد و سیزدهم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود بر عهده دارد.

اصل یکصد و پانزدهم: رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

اصل یکصد و بیست و دوم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایف خویش در برابر ملت مسئول است، نحوه رسیدگی به تخلف از این مسئولیت را قانون معین می کند.

اصل یکصد و بیست و دوم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.

اصل یکصد و سی و هفتم: هر يك از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

اصل سابق: اصل یکصد و سی و هفتم: هر يك از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است، ولی در اموری که به تصویب هیأت وزیران می رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

اصل یکصد و چهل و دوم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): دارایی رهبر یا اعضای شورای رهبری، رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط دیوان عالی کشور رسیدگی می شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

اصل یکصد و چهل و دوم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

اصل یکصد و چهل و ششم: استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده های صلح آمیز باشد ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاهم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه

در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تاکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می شود.

فصل یازدهم: قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و نهم: مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصت و دوم (مصوب ۱۳۵۸/۱۹۷۹): رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رهبری با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و دوم (اصلاحیه ۱۳۶۸/۱۹۸۹): رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و سوم: صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

اصل یکصد و شصت و پنجم: محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافعی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و شصت و ششم: احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و شصت و هفتم: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

* قانون مدنی (۱۳۰۷/۱۹۲۸ - ۱۳۵۷/۱۹۷۹) The Civil Code

- ماده ۱ - قوانین باید در ظرف سه روز از تاریخ توشیح به صحه ملوکانه منتشر شود.

- ماده ۳ - انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.

¹ <http://www.dastour.ir/brows/?lid=74237>

- ماده ۵: کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

- ماده ۶: قوانین مربوط باحوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند، مجری خواهد بود.

- قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم (مصوب ۳۱ تیر ماه ۱۳۱۲/۱۳۳۳ - مرجع تصویب: مجلس شورای ملی . کمیسیون عدلیه)

<http://www.dastour.ir/brows/?lid=18782>

ماده واحده در خصوص ایرانیان غیرشیعه

- نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند:

۱- در مسائل مربوط به نکاح و طلاق: عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

۲- در مسائل مربوط به ارث و وصیت: عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی.

۳- در مسائل مربوط به فرزند خواندگی: عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.^۲

- ماده ۸۸۰: قتل از موانع ارث است، بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می‌شود اعم از این که قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا به شرکت دیگری.

<http://www.dastour.ir/brows/?lid=74237>

ماده ۸۸۱: در صورتی که قتل مورث غیر عمدی یا به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود.

** در سال ۱۳۶۱ به شرح ذیل اصلاح شد:

در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود.

** در سال ۱۳۷۰ به شرح ذیل اصلاح شد:

در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود.

ماده ۸۸۱ مکرر- کافر از مسلم ارث نمی برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی برند. اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.^۳

^۲ روزنامه رسمی سال ۱۳۴۶/۱۳۶۸- نظریه شماره ۵۵ هفته نامه دادگستری صفحه ۱۸- تاریخ صدور ۴۶/۶/۱۸ - مرجع نظریه : اداره کل حقوقی قوه قضائیه

^۳ روزنامه رسمی سال ۱۳۷۰/۱۳۹۱ : ماده زیر به عنوان ماده ۸۸۱ مکرر به قانون مدنی اضافه شد.

- ماده ۹۶۱: جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

۱ - در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲ - در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده.

۳ - در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.

<http://www.dastour.ir/brows/?lid=%20%20%20%20%2020171>

- ماده ۱۰۵۹: نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست.

- ماده ۱۰۶۰: ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

- ماده ۱۳۱۳: شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی‌شود:

۱ - محکومین به مجازات جنایی.

۲ - محکومین به امر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکمه محروم کرده باشد.

۳ - اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.

۴ - اشخاص معروف به فساد اخلاق.

۵ - کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد.

۶ - شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

تغییرات قانون مدنی (۱۹۷۹/۱۳۵۷ - ۲۰۱۸/۱۳۹۶)

- ماده ۱: مصوبات مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ابلاغ و رئیس جمهور باید ظرف ۵ روز آن را امضاء و به دولت ابلاغ نموده و دولت موظف است ظرف مدت ۴۸ ساعت آن را منتشر نماید.

تبصره - در صورت استتکاف رئیس جمهور از امضاء یا ابلاغ به دولت در مهلت مقرر دولت موظف است مصوبه یا نتیجه همه پرسی را پس از انقضای مدت مذکور ظرف چهل و هشت ساعت منتشر نماید.

- ماده ۱ - ماده ۱ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می‌گردد (۱۳۷۰ / ۱۹۹۱):

ماده ۱ - مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آنرا امضاء و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آنرا صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید.

تبصره - در صورت استتکاف رئیس جمهور از امضاء یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.

- ماده ۸۸۱ - در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود.

ماده ۸۸۱ مکرر (الحاقی آزمایشی ۸/۱۰ / ۱۹۸۲/۱۳۶۱ و بعداً مصوب ۸/۱۴ / ۱۳۷۰) - کافر از مسلم ارث نمی

برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری، مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی برند اگر چه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.^۴

- تایید قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۰ مرداد ماه ۱۳۱۲ ماده واحده - نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند:

۱- در مسائل مربوط به نکاح و طلاق: عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.^۵

^۴ نظریات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه:

الف- نظریه شماره ۷/۱۰۷۶ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۳:

مستنداً به قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام چنانچه احد از وراثت متوفای غیرمسلمان، مسلمان باشد یا بعداً مسلمان شود، تقسیم ماترک وی فقط براساس قواعد مسلمة حین الموت متوفی به عمل می آید. و مقررات ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی در مورد متوفای مسلمان یا غیرمسلمانی است که مشمول قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم نباشد.

ب- نظریه شماره ۷/۶۷۷۹ مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۳:

تا زمانی که به حکم دادگاه صالحه و با عنوان ارتداد، کسی محکومیت پیدا نکند نمی توان به لحاظ مرتد بودن او را از ارث محروم دانست.

ج- نظریه شماره ۷/۱۲۹۸ مورخ ۱۳۷۶/۲/۳۱:

ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی، مصوب ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی است و قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب شهریور ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام است، لذا در موارد مغایرت بایستی طبق مصوبه موخرالتاریخ مجمع تشخیص مصلحت نظام عمل شود.

د- نظریه شماره ۷/۶۳۷۳ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۰:

چون در قانون مدنی کافر تعریف نشده است طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب باید به منابع فقهی و فتاوی معتبر رجوع شود و در این مورد نظر حضرت آیه الله مرعشی معاون قضایی محترم ریاست قوه قضائیه به شرح زیر است:

تعریف کافر در فقه آمده و چنین است الکافر و هو من انتحل غیرالاسلام (تحریرالوسیله ج ۱ ص ۱۱۸ خ بیان النجاسات) و بهایی ها معتقدند که دین مقدس اسلام نسخ گردیده و خاتمیت پیامبر اسلام را انکار می کنند با توجه به ماده «۸۸۱ مکرر قانون مدنی» و مساله یک از جلد دوم تحریرالوسیله صفحه ۳۶۴ و مساله ۹ صفحه ۳۶۶ همان جلد فقط وارث مسلم - در صورت تعدد ورثه ارث می برد در مورد استعلام ارث بهایی به وارث مسلمان او منتقل می شود و سایر ورثه حق از ارث ندارد.

ه- نظریه شماره ۷/۷۴۳۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۱:

بنابر اصل سیزدهم قانون اساسی قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب سال ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و توجهاً به ماده واحده قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب سال ۱۳۱۲، در این گونه موارد باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان رعایت شود بنابراین چنانچه احد از وراثت متوفی غیرمسلمان، مسلمان باشد یا بعداً مسلمان شود تقسیم ماترک وی براساس قواعد مسلمة حین الموت متوفی به عمل می آید.

^۵ نظریات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه:

الف- نظریه شماره ۷/۳۳۳ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲:

با عنایت به مصوبه مورخ ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی و قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۳۱ تیرماه ۱۳۱۲، جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، در مسائل مربوط به نکاح و طلاق ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده است، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است باید رعایت شود.

در مورد کلیمیان ایرانی امور مذکور باید از دارالشرع کلیمیان وابسته به انجمن کلیمیان به نشانی تهران خیابان شیخ هادی پلاک ۳۸۵ طبقه سوم سوال شود.

ب- نظریه شماره ۷/۵۱۵۹ مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۶:

طبق قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام دادگاه در مورد اقلیت های یاد شده بایستی احوال شخصیه و حقوق ارثیه متداوله در مذهب آنان رعایت کند و در مورد ارث باید طبق مقررات مذهبی متوفی عمل شود بنابراین با توجه به مقررات یاد شده درخواست فرد مسلم (احد از ورثه) از دادگاه

۲- در مسائل مربوط به ارث و وصیت: عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی.^۶

دائر بر حذف نام بقیه فرزندان و عیال متوفای زرتشتی از گواهی حصر وراثت صادره، وجاهت قانونی ندارد و به وصیت متوفی هم طبق مقررات دین زرتشتی باید عمل گردد.

ج- نظریه شماره ۷/۵۱۱۲ مورخ ۷/۱۱/۱۳۷۷:

بنابر اصل سیزدهم قانون اساسی و قانون رسیدگی به دعای مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و توجهاً به ماده واحده قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ در این گونه موارد باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان رعایت شود. بنابر این چنانچه احد از وراث متوفای غیر مسلمان، مسلمان باشد، یا بعداً مسلمان شود، تقسیم ماترک وی بر اساس قواعد مسلمة حین الموت متوفی به عمل می آید، و در این خصوص مقررات ۸۸۱ مکرر قانون مدنی رعایت نمی گردد.

۴- رجوع شود به رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که ذیلأ درج می شود:

« نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مرداده ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاه ها جز در مواردی که مقررات قانونی راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردید فلذا دادگاه ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت نامه ملزم به رعایت قواعد و عادت مسلمة در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانونی راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است. »

۵- نظریات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه:

الف- نظریه شماره ۷/۷۰۱۴ مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۴:

با تذکر این نکته که ماده واحده قانون اصلاح مقررات طلاق مصوب ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون اختصاص تعدادی از دادگاه های عمومی به دادگاه های اصل ۲۱ قانون اساسی (دادگاه خانواده) مصوب ۱۳۷۶ از قواعد آمره است و وفق مقررات مزبور، اصدار اجازه طلاق، گواهی عدم امکان سازش و یا صدور حکم طلاق حسب مورد منحصرأ در صلاحیت دادگاه خانواده یا دادگاه عمومی است که در مورد ارامنه گریگوریان ایران باید طبق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه به دعوی رسیدگی و با استعلام از خلیفه گری ارامنه مذکور رأی مقتضی صادر کند، اضافه می شود که مع ذلک چنانچه دادگاه صحت واقعه طلاق در خلیفه گری ارامنه را مطابق قواعد مسلمة متداوله مذهبی آنان احراز کند می تواند آن را تنفیذ کند.

ب- نظریه شماره ۷/۲۰۹۵ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۴:

با عنایت به بند «۱» ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۵/۱۰ در مورد طلاق زوجه شافعی مذهب باید عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است رعایت شود و در مورد زوج شیعه اثنا عشری باید بر اساس مقررات قانون مدنی عمل و اتخاذ تصمیم شود.

ج- نظریه شماره ۷/۴۴۲۶ مورخ ۱۳۷۶/۸/۸:

مقررات راجع به تقاضای طلاق زن در مذهب شافعی به طور مدون تنظیم و منتشر نشده است و فتاوی رئیس این مذهب در کتب فقهی موجود است، با مراجعه به این کتب موارد تقاضای طلاق زن بررسی می شود.

د- نظریه شماره ۷/۲۳۰۲ مورخ ۱۳۷۴/۵/۲۸:

راجع به نکاح و طلاق قواعد مسلمة متداوله در مذهب ایرانیان غیرشیعه به رسمیت شناخته شده است، لذا در صورتی که طبق قواعد مسلمة متداوله در مذهب ایرانیان غیرشیعه، اجازه ولی برای ازدواج دختر لازم نباشد طبق قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ بر طبق همان قواعد عمل خواهد شد.

۶- نظریات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه:

الف- نظریه شماره ۷/۴۰۳۲ مورخ ۱۳۸۱/۷/۱:

با توجه به اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایرانیانی که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده است عبارتند از: زرتشتی ها، مسیحی ها، و کلیمی ها.

ب- نظریه شماره ۷/۳۳۳ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲:

انجمن کلیمیان تهران طی نامه شماره ۸۳۵۵ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۷ اعلام کرده است «... هیچ کتاب و یا متن ترجمه شده به زبان فارسی در احوال شخصیه و حقوق کلیمیان در ایران وجود ندارد و به فرض وجود نیز دارای اعتبار شرعی نیست در مواردی که به موجب اصل سیزدهم قانون اساسی اعلام نظر مرجع دینی کلیمیان در احوال شخصیه به موجب قوانین فقهی کلیمیان ضرورت پیدا کند از طرف دادگاه در آن مورد خاص سؤال می شود و مرجع دینی کلیمیان با مراجعه و استناد به کتب فقهی هالاخا- جواب برای دادگاه ارسال می نماید» در ضمن انجمن مزبور طی نامه ۸۳۱۷-۱۳۷۸/۸/۱۷ اعلام نموده است: قوانین مربوط به حق الارث کلیمیان از سال ۱۳۵۵ تغییریاتی نموده که هر دو شکل آن به شرح زیر اعلام می شود:

۱- تا قبل از سال ۱۳۵۵، همسر متوفی تا وقتی در قید حیات است و یا ازدواج مجدد ننموده، می تواند از محل سکونت مشترک با همسر خود واثاث البیت استفاده نموده و سایر وراث با پرداخت مهریه دین دیگری ندارند. دختران متوفی در صورتی که در موقع ازدواج جهیزیه دریافت داشته باشند نسبت به ماترک متوفی حقی نخواهند داشت.

فرزند ذکور در صورت پرداخت حقوق قانونی سایر وراثت با رعایت موازین قانونی وارث ماترک خواهد بود.

۲- از سال ۱۳۵۵ تاکنون تقسیم ماترک متوفی به شرح ذیل می باشد:

I- فرزند ذکور دو برابر هز یک از دختران و یا همسر متوفی، حق الارث خواهد داشت و در مورد (یک پسر و دو دختر و یک همسر) به طور مثال ماترک او بعد از وضع حقوق قانونی به پنج قسمت مساوی تقسیم می گردد و فرزند ذکور دو سهم و دختران و همسر متوفی هریک از مال الارث یک سهم خواهد داشت.

II- در صورتی که دختران در زمان حیات پدر ازدواج کرده باشد مبلغ جهیزیه از سهم آنها کسر می گردد.

III- در صورتی که مبلغ مهریه همسر متوفی از سهم الارث باشد سایر وراثت موظفند مهریه را پرداخت نمایند.

ج- نظریه شماره ۷/۶۶۰ مورخ ۱۳۷۹/۳/۱۸:

با توجه به قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی، مصوب تیرماه ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام تقسیم ترکه متوفای ایرانی زرتشتی تابع مقررات مذهب متوفی می باشد.

د - نظریه شماره ۷/۱۰۷۶ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۳:

مستنداً به قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام چنانچه احد از وراثت متوفای غیرمسلمان، مسلمان باشد یا بعداً مسلمان شود، تقسیم ماترک وی فقط براساس قواعد مسلم حین الفوت متوفی به عمل می آید و مقررات ماده (۸۸۱) مکرر قانون مدنی در مورد متوفای مسلمان است.

ه- نظریه شماره ۷/۳۴۱۲ مورخ ۱۳۷۷/۵/۱۲:

I- در صورتی که دو تبعه ایرانی با همدیگر ازدواج نموده و قرارداد جداگانه در مورد تقسیم اموال اکتسابی در دوره زناشویی بین خود تنظیم نکرده باشند، با رعایت مقررات مربوطه به ارث (در صورت فوت احد از آنها) یا مقررات مربوط به طلاق (در صورت وقوع طلاق) هریک مالک اموال اکتسابی خود خواهند بود.

II- چنانچه زوج تبعه ایران در دوره زناشویی فوت نماید دو حالت ممکن است پیش آید:

الف- زوج شیعه بوده و دارای اولاد باشد، زوج یک هشتم بهای اعیانی اشجار موجود را ارث می برد (مواد ۹۰۱ و ۹۴۷ قانون مدنی) و چنانچه اولاد نداشته باشد یک چهارم بهای اعیانی و اشجار موجود در غیر منقول ارث می برد (مواد ۹۰۱ و ۹۴۷ قانون مدنی).

ب- چنانچه زوج پیرو مذهب اهل سنت یا مسیحی یا کلیمی یا زرتشتی باشد، سهم زوج مطابق مقررات مربوط به مذهب متوفی خواهد بود (اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی و قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲ و رأی لازم الاتباع هیأت عمومی).

و- نظریه شماره ۷/۵۱۶۰ مورخ ۱۳۷۵/۸/۷:

با لحاظ این که متقاضی حصر وراثت دارای کارت پناهندگی است و با توجه به ماده ۱۲ و بند «۱» و «۲» ماده ۱۶ کنوانسیون ژنو، پناهندگان حق دارند برای تظلم و احقاق حق خود به دادگاه های کشور محل پناهندگی مراجعه کنند و از جهت احوال شخصیه نیز تابع قوانین همان محل خواهند بود، بنابراین چنانچه متقاضی دارای مذهب رسمی ایران «شیعه» باشد وفق مقررات مبحث ارث در قانون مدنی ماترک متوفی پس از کسر هزینه کفن و دفن و دیون متوفی یک هشتم اموال غیرمنقول و قیمت اعیان غیرمنقول سهم زوج و مابقی ماترک او بین فرزندان به نسبت سهم پسر دو برابر دختر تقسیم می گردد. و چنانچه متوفی اهل سنت باشد با رعایت ماده و احده راجع به رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ طبق مذهب متوفی «شوهر» و براساس فتوای علمای آن مذهب ماترک وی تقسیم می گردد، اضافه می نماید که در مذهب عامه زن از تمام ماترک متوفی ارث می برد نه از قیمت اعیانی غیرمنقول.

ز- نظریه شماره ۷/۴۱۱۹۷ مورخ ۱۳۷۰/۷/۱۰:

« به موجب اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل می کنند و همچنین طبق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده در مسائل مربوط به ارث و وصیت در مذهب متوفی را رعایت نمایند و رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مبین موضوع است.

به موجب ماده ۶۶ آیین نامه مربوط به احوال شخصیه ارمنه که به وسیله شورای خلیفه گری ارمنه تدوین شده اگر متوفی راجع به ترکه نه وصیت کرده و نه وارث قانونی باقی گذارده باشد آخرین وارث او خلیفه گری محسوب و خلیفه گری ترکه متوفی را برای مقاصد عام المنفعه و خیریه به کار خواهد برد. بنابراین با توجه به مراتب فوق الاشعار چنانچه متوفی وصیتی ننموده و بلا ارث بودن وی نیز محرز باشد باید طبق قواعد و عادات مسلم در مذهب متوفی عمل شده و وجه باقیمانده از متوفی به خلیفه گری ارمنه تسلیم گردد.

ح- نظریه شماره ۷/۶۱۴۹ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۱:

اگر متوفی اهل سنت باشد با رعایت ماده واحده راجع به رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ طبق مذهب متوفی و بر اساس فتوای علمای آن مذهب، ماترک وی تقسیم می گردد که در این خصوص، متقاضی می تواند فتوای معتبر یکی از علمای مذهب متوفی را اخذ و ضمیمه دادخواست نماید و دادگاه با استناد به آن نسبت تقسیم ماترک پس از کسر هزینه کفن و دفن و دیون متوفی اظهار نظر کند که به هر حال، در مورد سنوال، یک هشتم از کل ماترک متوفی اعم از منقول و غیرمنقول سهمی زوج و مابقی ترکه به نسبت سهم پسر دو برابر دختر بین فرزندان او تقسیم می گردد.

ط- نظریه شماره ۷/۶۱۴۹ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۱: اگر متوفی اهل سنت باشد با رعایت ماده واحده راجع به رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه و رأی لازم الاتباع هیأت عمومی دیوان عالی کشور ماترک وی با اخذ فتوای معتبر از یکی از علمای مذهب متوفی تقسیم می شود. در خصوص مورد یک هشتم کل ماترک به همسر و بقیه به فرزندان به نسبت پسر دو برابر دختر تعلق می گیرد.

ی- نظریه شماره ۷/۷۷۹۱ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۹:

I- با توجه به عام و کلی بودن مواد ۳۶۰ و ۳۶۲ قانون امور حسبی در مورد تصدیق انحصار وراثت پذیرش درخواست و صدور گواهی حصر وراثت، الزامی است.

II- با توجه به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقلیت های دینی شناخته شده شامل ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی می باشد محاکم ایران با لحاظ ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ مکلفند قواعد و

۳- در مسائل مربوط به فرزند خواندگی: عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.

- قانون «رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی» مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ ۱۹۹۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام

ماده واحده- رای وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۹/۹/۱۹ هیات عمومی دیوان عالی کشور، عیناً و به شرح ذیل به تصویب رسید:

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاه ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاه ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را برطبق آن صادر نمایند. این رای برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

- ماده ۹۸۰: کسانی که به امور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی و از او اولاد دارند و یادارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه هستند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزراء به تبعیت ایران قبول شوند.

ماده ۱۳۱۳: شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی شود:

۱. اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.

۲. اشخاص معروف به فساد اخلاق.

عادات مسلمه متداول در مذهب آنان را نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد رعایت کنند، در مورد اشخاص موضوع استعلام و سایر ایرانیانی که فاقد مذهب شناخته شده هستند صدور گواهی حصر وراثت تابع مقررات قانون مدنی است.

یا- نظریه شماره ۷/۶۹۶۵ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۰:

با توجه به اصل (۱۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایرانیانی که مذهب آن ها به رسمیت شناخته شده عبارتند از زرتشتی ها، مسیحی ها، و کلیمی ها و پیروان این مذاهب با لحاظ ماده واحده قانون اجازه رعایت شخصیه ایرانیان غیرشیعه و رأی وحدت رویه دیوان کشور نسبت به انجام مراسم دینی وارث و وصیت و موارد دیگر آزاد هستند ولی پیروان فرقه بهائیت مثل سایر ایرانیان غیر از پیروان مذهب اسلام و مذاهب به رسمیت شناخته شده از لحاظ ارث تابع مقررات جمهوری اسلامی ایران هستند.

یب- نظریه شماره ۷/۵۱۳۵ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲:

بنابر مستنبط از ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ که مقرر داشته نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق مذکور در بندهای آن ماده واحده رعایت نمایند به نظر می رسد در صورتی که متوفی ایرانی غیرشیعه بوده که مذهب او به رسمیت شناخته شده ورثه قانونی ندارد بر فرض صحت مرتب عنوان شده از طرف مقامات ذی صلاح در مذهب متوفی باید برطبق قواعد و عادات مسلمه در مذهب متوفی رفتار گردد.

۳. کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد.

۴. شهادت دیوانه در حال دیوانگی

۵. کسانی که عدالت شرعی آنان محرز نباشد.^۷

ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی به شرح زیر اصلاح می گردد:^۸

ماده ۱۳۱۳ - در شاهد بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت مولد شرط است.

تبصره ۱. عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه محرز شود.

تبصره ۲. شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق رد دعوی داشته باشد و نیز شهادت کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند پذیرفته نمی شود.

ماده ۱۳۱۴: شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استعمال نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

چند پرسش مربوط به ولایت و قیمومت اقلیتهای مذهبی ایرانیان غیرشیعه

سؤال: آیا امرولایت و قیمومت اقلیتهای مذهبی جزء احوال شخصیه آنان محسوب است؟

در باره سنوال فوق اداره حقوقی در تاریخ ۶/۶/۱۸ چنین پاسخ داده است:

چون ولایت قهری ناشی از نکاح و نتیجه بلافصل آن است جزء احوال شخصیه بوده و قابل تطبیق با ماده واحده رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه می باشد ولی قیمومت، ناشی از حکم قانون است و ماده واحده مذکور شامل آن نمی گردد.^۹

موضوع: احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه، ارث در مذهب یهود، اجرای حکم علیه ورثه محکوم علیه کلیمی سؤال: اجرائیه ای علیه شخصی که کلیمی است صادر گردیده و در جریان اجرا مشارالیه فوت شده است و ورثه او عبارتند از زوجه و دو پسر و چهار دختر که همگی کبیر و کلیمی می باشند. محکوم له مدعی است که چون وارث ذکور از اموال متوفی استفاده می نمایند و ورثه اثاث ارث نمی برند لذا حکم صادره باید درباره دو نفر اولاد ذکور و زوجه متوفی اجرا گردد.

سؤال: بر طبق ماده واحده قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲ محاکم باید نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده قواعد و عادات

^۷ روزنامه رسمی سال ۱۳۶۱/۱۹۸۱.

^۸ روزنامه رسمی سال ۱۳۷۰/۱۹۹۲.

^۹ روزنامه رسمی سال ۱۳۴۹/۱۹۷۱ - نظریه: شماره ۷۰ هفته نامه دادگستری صفحه ۱ و ۲ - تاریخ صدور ۱۳۴۹/۴/۱ - مرجع نظریه: اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه

مسلّمه و متداوله در مذهب آنان را رعایت نمایند چون قواعد مسلمّه و متداوله پیروان مذهب یهود در دسترس دادگاه نیست تقاضا دارد اعلام شود نحوه اجرای حکم چگونه باید باشد؟

نظریه: اداره حقوقی در تاریخ ۴۹/۴/۱ بر مبنای فتوای انجمن کلیمیان تهران چنین پاسخ داده است:

چون مقررات مربوط به احوال شخصیه کلیمیان ایران تاکنون تدوین نگردیده لذا موضوع از انجمن کلیمیان تهران که در این قبیل موارد مرجع فتوی محسوب است پرسش شد. جوابی که داده‌اند عیناً در زیر نقل می‌گردد:

مرد کلیمی که فوت نماید و ورثه و بازماندگان حین الفوت او عبارت باشند اول يك عیال دائمی، دوم چهار دختر، سوم دو پسر، طبق دستور شرع حضرت موسی کلیم‌اله علیه‌السلام و سنت معموله و متداوله بین کلیمیان ایرانی اول عیال متوفی مادامی که مهریه خود را دریافت نکرده حق سکونت در منزل شوهر خود و حق نفقه از ماترك شوهر خود دارد. پس از دریافت مهریه مافی‌القباله نکاحیه خود دیگر حقی بماترك شوهر خود ندارد. دوم چهار دختران متوفی هرگاه هر کدام از دختران در حیات پدر خود به خانه شوهر رفته باشند و جهیزیه نیز برده باشند و طبق معمول جهیزیه‌ای که برده‌اند در سند نکاحیه آنان قید شده باشد آنان دیگر حقی بماترك پدر خود ندارند. چنانچه دختری در حیات پدر خود به خانه شوهر نرفته باشد هر کدام از آنها يك دهم از کل ماترك پدر خود را بعنوان جهیزیه مستحق می‌باشند. در مورد پسران متوفی نیز پس از وضع مهریه مافی‌القباله نکاحیه عیال متوفی (و در صورت بودن دختر مجرد يك دهم از کل ماترك بعنوان دختر مجرد متوفی) بقیه ماترك باید بین دو پسران او متساویاً تقسیم شود. هرگاه متوفی دارای پسر نخست زاده باشد- سهم الارث پسر نخست زاده نسبت به برادر دیگر او دو برابر خواهد بود. اما طریقه استیفای دین از ترکه را قوانین مدنی و امور حسبی معین کرده‌اند (ماده ۶۰۶ قانون مدنی و مواد ۲۲۵ و ۲۴۰ و ۲۴۸ قانون امور حسبی) برطبق این مواد محکوم به باید در درجه اول از ترکه و در درجه دوم از مال ورثه (مثل اینکه ترکه تقسیم شده باشد) استیفاء گردد.^{۱۰}

سؤال: بین مردی تبعه خارجه که دارای مذهب کاتولیک است با زنی ایرانی که دارای مذهب ارتدوکس می‌باشد طبق مقررات مذهب کاتولیک ازدواجی در ایران صورت گرفته طبق مقررات دولت متبوع مرد چنین ازدواجی معتبر نیست و ازدواج در ایران یا کشور متبوع مرد به ثبت نرسیده است با توجه به مراتب مذکور آیا چنین ازدواجی طبق قوانین و مقررات ایران به رسمیت شناخته می‌شود آیا آثار قانونی بر آن مترتب است؟

نظریه: اداره حقوقی در تاریخ ۱۳۵۰/۲/۲۰ چنین پاسخ داده است: نظر به اینکه در قوانین ایران منعی برای ازدواج مرد کاتولیک با زن ارتدوکس وجود ندارد و در تاریخ وقوع ازدواج که در سال ۱۹۲۸ در ایران بر طبق مقررات مذهبی کاتولیک انجام گرفته ثبت آن اجباری نبوده و چنین ازدواجی با روح ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲ هم که بعداً وضع شده موافقت دارد. بنابراین ازدواج مزبور از نظر قوانین ایران معتبر است.^{۱۱}

سؤال: بانویی حنفی مذهب فوت شده است، دو نفر خود را وارث منحصر او می‌دانند ثالثی مدعی است متوفی حین الفوت عیال رسمی او بوده است لیکن دو نفر وارث ادعا دارند بانوی مذکور دو سال قبل از فوت مطلقه شده

^{۱۰} روزنامه رسمی سال ۱۳۵۰/۱۹۷۲- شماره نظریه شماره ۷۳ هفته دادگستری صفحه ۶- تاریخ صدور ۵۰/۲/۲۰
^{۱۱} روزنامه رسمی سال ۱۳۵۰/۱۹۷۲- شماره نظریه: شماره ۵۹ هفته دادگستری صفحه ۷ و ۸- تاریخ صدور ۱۳۵۰/۶/۲۱

است و حین الفوت عُلقه زوجیت بین مشارالیهها و معترض وجود نداشته با توجه به اینکه اختلاف راجع به اصل طلاق است و طرفین حنفی مذهب هستند: اظهار نظر گردد:

۱- آیا موضوع قابل رجوع به محکمه شرع تهران می‌باشد یا خیر؟

۲- ماده واحده قانونی اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه مصوب ۱۳۱۲ راجع به ایرانیان غیر شیعه‌ای است که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده است، آیا ماده‌ای که مذاهب رسمی را احصاء کرده باشد در مجموعه قوانین وجود دارد؟ و آیا مذهب حنفی به رسمیت شناخته شده است؟

۳- در صورتی که ماده واحده مذکور نسبت به اختلاف لازم‌الرعايه باشد مرجع تقلید مسلمی که بتوان عادت و قواعد مسلمة متداوله آنان را استعمال نمود چه کسی است؟

نظریه: با توجه به مواد ۴ و ۷ قانون محاکم شرع و اصل اول متمم قانون اساسی که در ذیل درج می‌گردد:

ماده ۴- در حوزه‌هائی که وزارت عدلیه محکمه شرع تشکیل نداده محضر رسمی قائم مقام محکمه شرع خواهد بود (هر محضر شرع تشکیل می‌شود از يك مجتهد جامع‌الشرايط) انتخاب محضر مطابق نظامنامه وزارت عدلیه بعمل خواهد آمد.

ماده ۷- رجوع به شرع در موارد ذیل بعمل خواهد آمد:

۱- دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق.

۲- ...

اصل اول- مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد.

در پاسخ سنوال فوق اداره حقوقی در تاریخ ۵۰/۶/۲۱ چنین پاسخ داده است:

۱- با توجه به عموم و اطلاق قانون محاکم شرع مصوب ۱۳۱۰ رسیدگی به دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق ایرانیان غیر شیعه من جمله حنفی مذهب باید به دادگاه شرع ارجاع گردد. هرگاه در محل دادگاه شرع تأسیس نشده باشد باید به محضر رسمی محل که در ماده ۴ قانون مذکور پیش‌بینی شده احاله شود.

۲- مذاهب رسمی در هیچ يك از متون مدون احصاء نگردیده لیکن از مدلول اصل اول متمم قانون اساسی که مذهب اسلام را به رسمیت شناخته و قانون انتخابات مجلس شورای ملی رویه قضائی و اداری چند قرن اخیر ایران مسلم است که مذاهب اسلامی: حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی و مذاهب غیر اسلامی: کلیمی، مسیحی و زردشتی به رسمیت شناخته شده‌اند.

۳- عادات و قواعد مسلمة مذهبی در مورد مذاهب عامه از مفتیان سنی و در مورد کلیمیان از دارالشرع کلیمیان در تهران، در مورد فرق مختلف مسیحی از کلیساهای مربوط و در مورد زردشتیان از انجمن زردشتیان تهران استعمال می‌گردد. از زردشتیان و بعضی فرق مسیحی مقررات مدونی نیز تحت عنوان آئین نامه در این اداره موجود است.^{۱۲}

^{۱۲} روزنامه رسمی سال ۱۳۵۸/۱۹۸۰- شماره نظریه: ۷/۳۰۸۵- تاریخ صدور ۱۳۵۸/۵/۹.

سوال : آیا در مورد درخواست گواهی عدم امکان سازش ایرانیان غیرشیعه قانون حمایت خانواده حاکمیت دارد یا مقررات قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه؟

نظریه: قانون حمایت خانواده از جمله قوانین آمره مربوط به نظم عمومی است و درباره کلیه اتباع ایران پیرو هر مذهبی که باشند حکومت دارد. بنابراین اخذ گواهی عدم امکان سازش قبل از ایقاع طلاق برای همه الزامی است ولی اجرای صیغه طلاق و سایر تشریفات آن بر طبق قواعد مسلم اهل هر مذهب که در ماده واحده راجع به قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲ به آن اشاره شده به عمل خواهد آمد.^{۱۳}

موضوع: ثبت طلاق ایرانیان غیرشیعه که بر طبق مقررات مذهبی خودشان واقع شده باشد با رعایت قانون مربوط به اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در دفاتر کنسولگری جمهوری اسلامی ایران بلامانع است.

سوال : زن و شوهری ایرانی و یهودی طبق مقررات مذهبی خودشان در خارج از کشور اقدام به طلاق نموده‌اند، آیا کنسولگری دولت جمهوری اسلامی ایران می‌توان آن را ثبت نماید یا احتیاج به صدور حکم از محاکم ایران دارد؟

نظر مشورتی اداره حقوقی بشرح زیر است: نظر به اینکه براساس درخواست طرفین و با رعایت مقررات مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه حکم طلاق صادر شده است ثبت آن بلااشکال می‌باشد و نیازی به صدور حکمی از ناحیه محاکم ایرانی نیست.^{۱۴}

موضوع: رییس دادگاه مدنی خاص (اهل تسنن) می‌تواند به تمام دعاوی داخل در صلاحیت دادگاه مدنی خاص رسیدگی نماید.

سوال: آیا رییس دادگاه مدنی خاص (اهل تسنن) در صورتی که حنفی باشد می‌تواند به تمام دعاوی داخل در صلاحیت دادگاه مدنی خاص در مورد اهل تسنن رسیدگی نماید یا فقط به مسائل خاص باید رسیدگی کند؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است: ۱. کلیه دادگاه‌ها و مراجع قضایی با توجه به اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید رسیدگی به دعاوی راجع به احوال شخصیه را بر اساس مقررات و موازین مذاهب اهل تسنن انجام دهند و همانطور که در ادیان رسمی دیگر معمول است در صورت نیاز با استعلام از مراجع مذهبی ابهامات خود را رفع نمایند. بنابراین دادگاه مدنی خاص تاسیس شده در گنبد که رییس حنفی مذهب دارد با توجه به اصل صلاحیت دادگاه مدنی خاص نسبت به دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی به دعاوی راجع به احوال شخصیه سایر مذاهب اهل تسنن را در حدود ماده ۳ قانون دادگاه مدنی خاص دارد. ۲. با توجه به مواد ۱ و ۳ قانون دادگاه مدنی خاص و بند ۱ اصل ۱۵۷ و اصل ۱۵۶ قانون اساسی حدود صلاحیت دادگاه مدنی خاص جدیدالتاسیس روشن است و هویت مذهبی متصدی آن همانطور که فوقاً اشاره شد صلاحیت دادگاه را تغییر

^{۱۳} روزنامه رسمی سال ۱۳۵۹/۱۳۸۱ - شماره نظریه ۷/۳۲۴۱ - تاریخ صدور ۵۹/۶/۸.

^{۱۴} روزنامه رسمی ۱۳۶۲/۱۳۸۴ - شماره نظریه ۷/۵۰۰ - تاریخ صدور: ۱۳۶۲/۱۰/۲۶.

نمی‌دهد و تعیین رییس غیرشیعی صرفاً به لحاظ احاطه وی به مسائل مربوط به مذاهب دیگر اهل تسنن بوده و مشارالیه در موارد دیگر مندرج در ماده ۳ قانون دادگاه مدنی خاص می‌بایست بر اساس مقررات و قوانین موضوعه رسیدگی نماید. اضافه می‌نماید آنچه که مربوط به ارث و ماترک متوفی می‌شود و صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده و شرایط و نحوه رسیدگی در قانون امور حسبی که تا این تاریخ نسخ نشده و به قوت خود باقیست آمده است و رسیدگی در مورد دعاوی راجع به ترکه و همچنین ارث با رعایت احوال شخصیه مذاهب غیرشیعه و کلیه ادیان رسمی در صلاحیت دادگاه صلح می‌باشد. ۳. مقررات مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب تیرماه ۱۳۱۲ به قوت خود باقی است و با توجه به بند ۱ ماده واحده یاد شده قواعد مسلمة و متداوله مذهب زوج باید اعمال گردد و با توجه به اصل قبول صلاحیت دادگاه مدنی خاص در مورد رسیدگی به دعاوی خانوادگی دادگاه مزبور شایستگی رسیدگی را دارد.^{۱۵}

سؤال: اجرای وصیت نامه برای ایرانیان غیرشیعه چگونه خواهد بود؟

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براینکه به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ی ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مرداد ماه سال ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جزء در مواردیکه مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاهها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمة در مذهب آنان جزء در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نماید این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.^{۱۶}

سؤال: با توجه به این که حسب نظر علمای اهل سنت در خصوص قتل عمد چنانچه یکی از اولیاء دم گذشت نماید قصاص ساقط می‌شود و بقیه ورثه باید از قاتل دیه دریافت نمایند حال قتلی در بین افراد مذکور اتفاق افتاده و عده ای از ورثه گذشت نموده و عده ای دیگر تقاضای قصاص دارند، تکلیف دادگاه در این مورد چیست؟

نظریه اداره حقوقی: مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب سال ۱۳۱۲، مذاهب اسلامی غیرشیعه اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، و زیدی از لحاظ احوالی شخصیه و دعاوی مربوط به آن (ازدواج، طلاق، ارث، وصیت) تابع قواعد و مقررات مذهب خود هستند و در محاکم رسمیت دارند لیکن در امور کیفری مطابق ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت کشور ایران مرتکب جرم شوند قوانین جزائی درباره آنان

^{۱۵} وحدت رویه ردیف ۲۳/۶۳، رأی شماره: ۱۳۶۳/۹/۱۹-۳۷. (۱۹۸۵).

^{۱۶} روزنامه رسمی سال ۱۳۶۸/۱۳۶۸- شماره نظریه ۷/۴۵۶۶- تاریخ صدور ۱۳۶۸/۹/۱۶.

اعمال و اجرا می‌گردد چون مطابق ماده ۵۰ قانون حدود و قصاص مصوب شهریور ماه سال ۱۳۶۱ اگر بعضی از وراثت گذشت نمایند و بعضی دیگر تقاضای قصاص نمایند کسانی که درخواست قصاص دارند پس از پرداخت سهم دیه عفو کنندگان به قاتل می‌توانند او را قصاص کنند مورد استعلام هم از مصادیق ماده ۵۰ قانون فوق‌الذکر است و باید مطابق آن عمل شود.^{۱۷}

سوال: باتوجه به ماده ۸۰۸ قانون مدنی اخذ به شفعه زمانی تحقق پیدا می‌کند که مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دوفرد مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص ثالثی بفروشد حال اگر مال غیرمنقول مورد بحث دارای مالکین بیش از دو نفر بوده و پیروان یکی از فرق اهل تسنن باشند که در مذهب آنها تعداد مالکین بیش از دو نفر نیز حق اخذ به شفعه دارند آیا با توجه به قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه شریک یا شرکا که قصد فروش ندارند می‌توانند از این حق استفاده کنند یا خیر؟

نظریه اداره حقوقی: قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲، فقط در آن قسمت از حقوق مدنی که راجع به ارث و وصیت و نکاح و طلاق است اجازه داده که دادگاهها بر طبق اصول مسلم و متداوله در مذهب آنان رسیدگی و اقدام به صدور حکم نمایند موضوع اخذ به شفعه و مقررات مواد ۸۰۸ و بعد از قانون مدنی که مختص بیع است از شمول قانون مذکور خارج است، فتوای علمای مذاهب دیگر نمی‌تواند در دادگاه مستند صدور حکم باشد و در نتیجه ماده ۸۰۸ و سایر مواد قانون مدنی راجع به اخذ شفعه حاکم خواهد بود.^{۱۸}

سوال: مطابق مواد (۷۶ و ۷۷) قانون مدنی و قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه، اجازه داده است که در مورد تقسیم ارث و وصیت و نکاح و طلاق مقررات پیروان مذاهب غیرشیعه رعایت شود ولی در مورد فرقه بهاییه قانون ساکت است آیا در مورد این فرقه که گرایش آنها مورد تایید نیست در مسائل مربوط به احوال شخصیه چگونه باید عمل شود؟

نظریه اداره حقوقی: چون فرقه بهاییه از مذاهب رسمی کشور نیست بنابراین در تصدیق انحصار وراثت و تقسیم ترکه و سایر احوال شخصیه بایستی همان مقررات و قوانینی که در مورد ایرانیان شیعه اجرا می‌شود در مورد آنان نیز اجرا گردد.^{۱۹}

سوال: با توجه به این که برای ازدواج دوشیزگان مسلمان ایرانی رضایت ولی آنان لازم است، آیا در خصوص اقلیت های مذهبی نیز اخذ رضایت ولی ضرورت دارد؟

^{۱۷} روزنامه رسمی سال ۱۳۷۰/۱۳۹۲ - شماره نظریه ۷/۴۲۶۳ - تاریخ صدور ۱۳۷۰/۷/۲۳
^{۱۸} روزنامه رسمی سال ۱۳۷۲/۱۳۹۴ - شماره دستور اجرا: ۹۴۸۲ - تاریخ تصویب ۱۳۷۲/۴/۳ - مرجع تصویب: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
^{۱۹} روزنامه رسمی سال ۱۳۷۴/۱۳۹۶ - شماره نظریه ۷/۲۳۰۲ - تاریخ صدور ۱۳۷۴/۵/۲۸.

نظریه اداره حقوقی: راجع به نکاح و طلاق، قواعد مسلمة متداوله در مذهب ایرانیان غیرشیعه به رسمیت شناخته شده است، لذا در صورتی که طبق قواعد مسلمة متداوله در مذهب ایرانیان غیرشیعه، اجازه ولی برای ازدواج دختر لازم نباشد طبق قانون (۱) رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲ بر طبق همان قواعد عمل خواهد شد.^{۲۰}

سوال: اگر متوفی اهل سنت باشد با رعایت احوال شخصیه سهم همسر یک هشتم کل ماترک اعم از منقول و غیرمنقول و بقیه پسر دو برابر دختر ارث می برد. عبدالله تاجیک به تبعه افغان به استناد کارت اقامت در ایران درخواست گواهی حصر وراثت پدر خود را کرده، و ورثه را شش پسر و سه دختر و یک همسر معرفی کرده است با توجه به مقررات ماده (۹۶۷) قانون مدنی میزان سهم الارث هر یک چقدر می شود؟ ضمناً گواهی حصر وراثت به همین ترتیب صادر شده است.

نظریه اداره حقوقی: اگر متوفی اهل سنت باشد با توجه به ماده واحده رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه و رای لازم الاتباع هیأت عمومی دیوان عالی کشور ماترک وی با اخذ فتوای معتبر از یکی از علمای مذهب متوفی تقسیم می شود در خصوص مورد یک هشتم کل ماترک به همسر و بقیه به فرزندان به نسبت پسر دو برابر دختر تعلق می گیرد.^{۲۱}

موضوع: در صورت فوت زوج تبعه ایران، چنانچه متوفی شیعه باشد، زوج طبق قانون مدنی و در صورتی که پیرو مذاهب شناخته شده باشد طبق ضوابط مربوط به مذهب زوج ارث می برد.

سوال: در صورتی که زوج تبعه ایران فوت نماید چنانچه متوفی پیرو مذهب شیعه باشد زوج به چه ترتیب ارث می برد و اگر پیرو مذاهب دیگری باشد که قانون اساسی آن را به رسمیت شناخته است چگونه ارث خواهد برد؟

نظریه اداره حقوقی: چنانچه زوج تبعه ایران در دوره زناشویی فوت نماید دوحالت قابل پیش بینی است: ۱. زوج شیعه بوده و دارای اولاد باشد. زوج یک هشتم بهای اعیانی و اشجار موجود در غیرمنقول ارث می برد (مواد ۹۱۰ و ۹۴۷ قانون مدنی) ۲. در صورتی که زوج پیرو مذاهب اهل سنت، مسیحی، کلیمی یا زرتشتی باشد، سهم زوج مطابق مقررات مربوط به مذهب متوفی خواهد بود (اصل ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی و قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲ و رای لازم الاتباع هیأت عمومی).^{۲۲}

موضوع: در مورد طلاق بهائیان نیز ارجاع به داور و صدور گواهی عدم امکان سازش ضرورت دارد.

^{۲۰} روزنامه رسمی سال ۱۳۷۵/۱۹۹۷ - شماره نظریه ۶۱۴۹/۷ - تاریخ صدور ۷۵/۱۰/۱۱ - مرجع نظریه: اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه

^{۲۱} روزنامه رسمی سال ۱۳۸۶/۲۰۰۸ - شماره نظریه ۷/۶۱۴۹ - تاریخ صدور ۷۵/۱۰/۳۰.

^{۲۲} روزنامه رسمی سال ۱۳۷۷/۱۹۹۹ - شماره نظریه ۷/۸۱۹۳ - تاریخ صدور ۱۳۷۷/۱۱/۱۵.

سوال: با توجه به ضرورت ارجاع امر به داورى در طلاق چنانچه زوجین از فرقه بهایی باشند و دادخواست گواهی عدم امکان سازش تقدیم نموده باشند، تکلیف دادگاه در خصوص تعیین داوران چیست؟

نظریه: با توجه به این که ماده واحده قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه، شامل حال بهائیان نمی‌شود و در مورد آنان مقررات قانون مدنی اجرا می‌گردد لذا در مورد صدور گواهی عدم امکان سازش و تعیین داوران نیز اعمال مقررات قانون مدنی و قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق ضروری است.^{۲۳} موضوع: ماترک متوفای غیرمسلمان طبق ضوابط احوال شخصیه متوفی تقسیم می‌شود اعم از این که بین وراثت، ورثه مسلمان باشد یا خیر.

سوال: مرد مسیحی فوت کرده و همسرش تقاضای گواهی حصر وراثت بر مبنای احوال شخصیه متوفی را کرده است متعاقباً احد از وراثت دادخواستی به دادگاه تقدیم و تقاضا کرده که چون قبلاً مسلمان شده است حسب ماده (۸۸۱) مکرر قانون مدنی تقاضای صدور گواهی حصر وراثت را به عنوان ورثه انحصاری صادر شود. در صورتی که بین وراثت تنها ورثه مسلماً شخص مذکور بوده و بقیه مسیحی باشند نحوه تقسیم ارث چگونه خواهد بود؟

نظریه اداره حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه: مستنداً به قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام که حاکی است نظر به اصل سیزدهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاهها تصریح شده فلذا دادگاهها در مقام رسیدگی به امور مذکور ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمة در مذهب آنان بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند. چنانچه احد از وراثت متوفای غیرمسلمان، مسلمان باشد یا بعداً مسلمان شود، تقسیم ماترک وی فقط براساس قواعد مسلم حین الفوت متوفی به عمل می‌آید و مقررات ماده (۸۸۱) قانون مدنی در مورد متوفای مسلمان است.^{۲۴}

سوال: در مورد دادخواست طلاق از ناحیه زوج یا زوجه یا هر دو که جزو اقلیتهای مذهبی باشند آیا رعایت احوال شخصیه آنان ضرورت دارد یا خیر؟

نظریه اداره کل حقوقی قوه قضائیه: با عنایت به بند ۱ ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۵/۱۰ در مورد طلاق باید عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آنست رعایت شود. علت تصریح این امر از جانب مقتن آن است که ممکن است زوجین اختلاف مذهب داشته

^{۲۳} روزنامه رسمی سال ۱۳۷۹/۷/۱۰ - شماره نظریه ۷/۱۰۷۶ - تاریخ صدور ۱۳۷۹/۲/۲۳.

^{۲۴} روزنامه رسمی سال ۱۳۸۷/۷/۳۰ - شماره نظریه ۷/۳۰۶۹ - تاریخ صدور ۱۳۸۷/۵/۲۱.

باشند اما راجع به تشریفات رسیدگی مقررات ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام لازم الرعایه است.

موضوع: مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران

مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۳ برابر با ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۸ میلادی به تصویب آقایان کشیشان و هیاتهای مدیره کلیساهای پروتستان ایران رسیده است پس از ارسال به اداره کل محترم امور حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه با اعمال نظریه های اصلاحی کمیسیون مشورتی تهیه لوایح قضایی آن اداره کل که مورد قبول مدیر محترم تدوین آن مقررات واقع گردید.^{۲۵} - به شرح متن - با توجه به اعلام نظریه شماره ۴۰۴۴/۷ مورخ ۱۳۸۷/۶/۳۰ اداره کل محترم مزبور مبنی بر مغایرت نداشتن مقررات یاد شده با نظم عمومی و حسب تقاضای مدیرکمیته تدوین مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران که به شماره ۲۲۱۲/۹ مورخ ۱۳۸۷/۷/۷ ثبت دفتر قوانین و مقررات روزنامه رسمی کشور گردیده است. ذیلا جهت استحضار و آگاهی درج و منتشر می گردد (این مقررات در چهار کتاب بیان شده است. کتاب اول: تعریف مسیحی پروتستان- نامزدی- ازدواج - طلاق. کتاب دوم: حضانت و سرپرستی فرزندان- نَسَب- فرزندانگی. کتاب سوم: وصایا. کتاب چهارم: ارث). مواد قانونی مربوطه در لینک زیر قابل دسترسی است:

<http://www.dastour.ir/Print/?lid=324780>

سؤال: مرجع رسیدگی به دعاوی خانوادگی ایرانیان غیرشیعه کیست؟

رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است: ۱. نامزدی و خسارات ناشی از بر هم زدن آن ۲. نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح ۳. شروط ضمن عقد نکاح ۴. ازدواج مجدد ۵. جهیزیه ۶. مهریه ۷. نفقه زوجه و اجرت المثل ایام زوجیت ۸. تمکین و نشوز ۹. طلاق، رجوع، فسخ، انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن ۱۰. حضانت و ملاقات طفل ۱۱. نسب ۱۲. رشد، حجر و رفع آن ۱۳. ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان ۱۴. نفقه اقارب ۱۵. امور راجع به غایب مفقودالاثر ۱۶. سرپرستی کودکان بی سرپرست ۱۷. اهدای جنین ۱۸. تغییر جنسیت.

تبصره: به دعاوی اشخاص موضوع اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی حسب مورد طبق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱ و قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیدگی می شود. تصمیمات مراجع عالی اقلیت های دینی مذکور در امور حسبی و احوال شخصیه آنان از جمله نکاح و طلاق، معتبر و توسط محاکم قضائی بدون رعایت تشریفات، تنفیذ و اجرا می گردد.^{۲۶}

^{۲۵} روزنامه رسمی تاریخ تصویب ۱۳۸۷/۷/۳ - مرجع تصویب: کشیشان و هیات های مدیره کلیساهای پروتستان ایران.
^{۲۶} روزنامه رسمی سال ۱۳۹۲/۱۴ - ماده ۴ قانون حمایت خانواده

قانون مجازات عمومی (۱۹۲۵/۱۳۰۴ - ۱۹۷۹/۱۳۵۷) The Penal Code

- ماده ۱: مجازات‌های مصرحه در این قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر و در محاکم عدلیه مجری خواهد بود و جرم‌هایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود بر طبق حدود و تعزیرات مقرر در شرع مجازات می‌شوند.
- ماده ۱: (اصلاحیه ۱۹۷۲/۱۳۵۲) قانون مجازات راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می‌شود.
- ماده ۲: هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست مگر آن چه که به موجب قانون جرم شناخته شده.
- ماده ۲: (اصلاحیه ۱۹۷۲/۱۳۵۲) هر فعل یا ترك فعل که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی یا تربیتی باشد جرم محسوب است و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد.
- ماده ۳: (نسخه ۱۹۷۲/۱۳۵۲) قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت ایران (اعم از زمینی و دریایی و هوایی) مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.
- ماده ۷: جرم از حیث شدت و ضعف مجازات‌ها به چهار نوع تقسیم می‌شود: ۱ - جنایت ۲ - جنحه مهم ۳ - جنحه کوچک (تقصیر) ۴ - خلاف.
- ماده ۸: مجازات جنایت از قرار ذیل است: ۱ - اعدام. ۲ - حبس مؤبد با اعمال شاقه. ۳ - حبس موقت با اعمال شاقه.
- ۴ - حبس مجرد. ۵ - تبعید. ۶ - محرومیت از حقوق اجتماعی.
- تبصره (اصلاحیه ۱۹۷۲/۱۳۵۲): از تاریخ اجرای این قانون هیچ يك از حبسهای جنایی توأم با اعمال شاقه نخواهد بود و به جای حبس‌های مؤبد یا ابد یا دائم با اعمال شاقه حبس دائم و به جای حبس موقت یا غیر دائم با اعمال شاقه حبس جنایی درجه يك و به جای حبس مجرد حبس جنایی درجه دو تعیین می‌شود.
- ماده ۹: مجازات جنحه مهم از قرار ذیل است: ۱ - حبس تأدیبی بیش از يك ماه. ۲ - اقامت اجباری در نقطه یا نقاط معین یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین. ۳ - محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی. ۴ - غرامت در صورتی که مجازات اصلی باشد.
- ماده ۴۶: در حق مردانی که عمر آنها متجاوز از شصت سال است و همچنین کلیه زنها حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمی‌شود و مجازات آنها به حبس مجرد تبدیل خواهد شد مگر این که حکم برای ارتکاب قتل عمدی صادر شود.
- ماده ۶۱: هر کس با دول خارجی یا مأمورین آنها در اسباب چینی داخل شود که آنها را به خصومت یا جنگ با دولت ایران وادار کند یا اسباب عداوت و جنگ آنها را به هر نحو دسیسه و وسیله فراهم کند محکوم به اعدام

می‌شود در صورتی که اقدامات مذکوره مؤثر واقع نشود مجازات مرتکب از هفت تا پانزده سال حبس با اعمال شاقه است.

- ماده ۸۲: هر يك از وزراء و اعضاء پارلمان و صاحب‌منصبان و مأمورین دولتی که بر ضد حکومت ملی قیام نمایند یا حکم قیام را بدهد محکوم به اعدام است.

- ماده ۱۷۰: مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است مگر در مواردی که قانوناً استثنا شده باشد.

- ماده ۱۷۹: هر گاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در يك فراش یا در حالی که به منزله وجود در يك فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود معاف از مجازات است.

- ماده ۲۰۷: الف - هر کس به عنف یا تهدید هتک ناموس زنی را بنماید به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد و همین مجازات مقرر است درباره کسی که مرتکب لواط شود. در صورت وجود یکی از علل مشدده ذیل مرتکب به حداکثر مجازات مزبور محکوم می‌شود:

۱ - هر گاه مرتکب معلم یا مستخدم مجنی‌علیه یا مستخدم کسی باشد که نسبت به مجنی‌علیه سمت صاحب اختیاری دارد یا کسی باشد که مجنی‌علیه در تحت اختیار یا نفوذ او واقع شده.

۲ - اگر مجنی‌علیه کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد.

۳ - اگر مجنی‌علیه زن شوهردار باشد.

۴ - اگر مجنی‌علیه دختر باکره بوده باشد.

۵ - اگر مجنی‌علیه به واسطه ضعف قوای دماغی یا بدنی قادر به مقاومت نبوده باشد.

۶ - اگر مرتکب مرد متأهل باشد.

۷ - در مورد لواط هر گاه به عنف یا تهدید باشد.

- ماده ۲۲۲: هر گاه سرقت جامع تمام شرایط مقرر در شرع نبوده ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد جزای مرتکب حبس دائم با اعمال شاقه است: ۱ - سرقت در شب واقع شده ۲ - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند. ۳ - يك یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد. ۴ - از دیوار بالا رفته یا جرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا این که عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا بر خلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده و یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشد. ۵ - در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشد.

* قانون مجازات اسلامی (۱۳۶۱/۱۹۸۱ - ۱۳۹۷/۲۰۱۸) The Islamic Penal Code and Its

Modifications

توضیح: متأسفانه تدوین‌کنندگان نسخه نهایی قانون مجازات به شکل غیر حرفه‌ای ترتیب مواد قانون را بر هم زدند. از این رو، در این جا آخرین تغییرات با رنگ قرمز و شماره متفاوت ارائه شده است.

ماده ۱ - قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می شود .

ماده ۱- قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنهاست (مصوب ۱۳۹۲/۱۳/۲۰).

ماده ۲ - هر فعل یا ترك فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود .

ماده ۲- هر رفتاری اعم از فعل یا ترك فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱۳/۲۰).

ماده ۳ - قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی ، دریائی و هوائی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آنکه بموجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۳ - قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاص که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱۳/۲۰).

ماده ۱۲ - مجازاتهای مقرر در این قانون پنج قسم است: ۱ - حدود۲ - قصاص ۳ - دیات ۴ - تعزیرات ۵ - مجازاتهای بازدارنده .

ماده ۱۴ - مجازات های مقرر در این قانون چهار قسم است: ۱ - حد۲ - قصاص ۳ - دیه ۴ - تعزیر (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱۳/۲۰).

ماده ۱۳ - حد ، به مجازاتی گفته می شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است .

ماده ۱۵ - حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱۳/۲۰).

ماده ۱۴ - قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد.

ماده ۱۶ - قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می شود (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۱۵ - دیه، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است.

ماده ۱۷ - دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می شود (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۱۶ - تعزیر، تادیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.

ماده ۱۸ - تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد:

الف: انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب: شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

پ: اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت: سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۱۷ - مجازات بازدارنده تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس، و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.

ماده ۸۲ - حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محسن و غیر محسن نیست.

الف - زنا با محارم نسبی

ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است.

ج - زنا با غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است.

د - زنا با به عنف و اکراه که موجب قتل زانی اکراه کننده است.

ماده ۲۲۴ - حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف - زنا با محارم نسبی

ب - زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

پ - زنا با مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.

ت - زنا با به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است (قانون مجازات اسلامی مصوب

۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۸۳ - حد زنا در موارد زیر رجم است:

الف - زنا با مرد محسن ، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و

هر وقت نیز بخواهد می تواند با او جماع کند.

ب - زنا با زن محسنه با مرد بالغ، زن محسنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن

عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد.

تبصره- زنا با زن محسنه با نابالغ موجب حد تازیانه است.

ماده ۲۲۵ - حد زنا برای زانی محسن و زانیه محسنه رجم است. در صورت عدم امکان رجم با پیشنهاد دادگاه

صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محسن

و زانیه محسنه است در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد (قانون مجازات

اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۲۲۶ - احسان در هر یک از زن و مرد به نحو زیر محقق می شود:

الف: احسان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق

قبل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قبل را با وی داشته باشد.

ب: احسان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قبل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قبل را با شوهر داشته باشد (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۲۲۸- در زنا با محارم نسبی و زنای محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۸۸ - حد زنای زن یا مردی که واجد شرایط احسان نباشند صد تازیانه است.

ماده ۲۳۰- حد زنا در مواردی که مرتکب غیرمحسن باشد، صد ضربه شلاق است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۱۲۱ - حد تفخیذ و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر يك صد تازیانه است.
تبصره - در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است.

ماده ۲۳۶- در تفخیذ، حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و از این جهت فرقی میان محسن و غیرمحسن و علف و غیر علف نیست.

تبصره - در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۲۲۰- در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.

ماده ۱۳۰ - حد مساحقه درباره کسی ثابت می‌شود که بالغ، عاقل، مختار و دارای قصد باشد.

تبصره - در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست.

ماده ۲۳۸ - مساحقه عبارت است از اینکه انسان مونث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۲۴۰ - در حد مساحقه، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محسن و غیرمحسن و علف و غیر علف نیست (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۱۴۶ - قذف در مواردی موجب حد می شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد ، در صورتیکه قذف کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشند حد ثابت نمی شود.

ماده ۲۵۱ - قذف در صورتی موجب حد می شود که قذفشونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیرمتظاهر به زنا یا لواط باشد.

تبصره ۱ - هرگاه قذفشونده ، نابالغ، مجنون، غیرمسلمان یا غیرمعین باشد قذف کننده به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می شود لکن قذف متظاهر به زنا یا لواط، مجازات ندارد.

تبصره ۲ - قذف کسی که متظاهر به زنا یا لواط است نسبت به آنچه متظاهر به آن نیست موجب حد است مثل نسبت دادن لواط به کسی که متظاهر به زنا است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲۰۱۳).

ماده ۱۴۷ - هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تادیب می شود و هرگاه يك فرد بالغ و عاقل شخص نابالغ یا غیر مسلمان را قذف کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود .

ماده ۲۵۳ - هرگاه کسی زنا یا لواطی که موجب حد نیست مانند زنا یا لواط در حال اکراه یا عدم بلوغ را به دیگری نسبت دهد به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می شود (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲۰۱۳).

ماده ۱۷۴ - حد شرب مسکر برای مرد و یا زن ، هشتادتا زیانه است .
تبصره - غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تا زیانه محکوم می شود.

ماده ۲۶۵ - حد مصرف مسکر، هشتاد ضربه شلاق است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲۰۱۳).

ماده ۲۶۶ - غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می شود (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲۰۱۳).

ماده ۲۰۷ - هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و معاون در قتل عمد به سه تا ۱۵ سال حبس محکوم می شود.

ماده ۳۱۰ - هرگاه غیرمسلمان، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستامن یا معاهد شود، حق قصاص ثابت است. در این امر، تفاوتی میان ادیان، فرقه ها، و گرایش های فکری نیست. اگر مسلمان، ذمی، مستامن یا معاهد

بر غیرمسلمانی که ذمی، مستامن یا معاهد نیست جنایتی وارد کند، قصاص نمی شود. در این صورت مرتکب به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم "تعزیرات" محکوم می شود.

تبصره ۱- غیرمسلمانانی که ذمی، مستامن یا معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند یا تابعیت کشورهای خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده اند، در حکم مستامن می باشند.

تبصره ۲- اگر مجنی علیه غیرمسلمان باشد و مرتکب پیش از اجرای قصاص، مسلمان شود قصاص ساقط و علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم "تعزیرات" محکوم می شود (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۲۱۰- هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می شود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.

ماده ۳۸۲- هرگاه زن مسلمانی عمداً کشته شود، حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد، و اگر قاتل، مرد غیرمسلمان باشد، بدون پرداخت چیزی قصاص می شود. در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیه آنان لازم است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۲۱۲- هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می تواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر.

تبصره ۱- ولی دم می تواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه شرکاء نسبت به سهم دیه اخذ نماید.

تبصره ۲- در صورتی که قاتلان و مقتول همگی از کفار ذمی باشند، همین حکم جاری است.

ماده ۳۷۳- در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی علیه یا ولی دم می تواند یکی از شرکا در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص شونده بپردازند و یا اینکه همه شرکا یا بیش از یکی از آنها را قصاص کند، مشروط بر اینکه دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص، به قصاص شوندگان بپردازد. اگر قصاص شوندگان همه شرکا نباشند، هر یک از شرکا که قصاص نمی شوند نیز باید سهم خود از دیه جنایت را به نسبت تعداد شرکا بپردازد.

تبصره - اگر مجنی علیه یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شرکا باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیه قصاص شوندهگان بیش از سهم جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص شوندهگان بپردازد (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۲۱۳ - در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد.

ماده ۲۵۸ - هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید.

ماده ۲۳۷- الف- قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود. ب- قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می شود. (قس مواد ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۹۹ مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲)

ماده ۳۷۴ - هرگاه دیه جنایت، بیش از دیه مقابل آن جنایت در مرتکب باشد مانند اینکه زنی، مردی را یا غیرمسلمانی، مسلمانی را عمداً به قتل برساند یا دست وی را قطع کند، اگر مرتکب یک نفر باشد، صاحب حق قصاص افزون بر قصاص، حق گرفتن فاضل دیه را ندارد و اگر مرتکبان متعدد باشند، صاحب حق قصاص می تواند پس از پرداخت مازاد دیه قصاص شوندهگان بر دیه جنایت به آنان، همگی را قصاص کند. همچنین می تواند به اندازه دیه جنایت، از شرکا در جنایت، قصاص کند و چیزی نپردازد، که در این صورت، شرکایی که قصاص نمی شوند، سهم دیه خود از جنایت را به قصاص شوندهگان می پردازند. افزون بر این، صاحب حق قصاص می تواند یکی از آنان که دیه اش کمتر از دیه جنایت است، قصاص کند و فاضل دیه را از دیگر شرکا بگیرد لکن صاحب حق قصاص نمی تواند بیش از این مقدار را از هریک مطالبه کند، مگر در صورتی که بر مقدار بیشتر مصالحه نماید. همچنین اگر صاحب حق قصاص خواهان قصاص همه آنان که دیه مجموعشان بیش از دیه جنایت است باشد، نخست باید فاضل دیه قصاص شونده نسبت به سهمش از جنایت را به او بپردازد و سپس قصاص نماید (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

ماده ۲۹۴ - دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده می شود.

ماده ۴۴۸ - دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۰۱۳/۱۳۹۲).

باب دوم - مقدار دیه قتل نفس

ماده ۲۹۷ - ديه قتل مرد مسلمان يکي از امور ششگانه ذيل است که قاتل در انتخاب هر يك از آنها مخير می باشد و تلفيق آنها جایز نیست:

- ۱ - یکصد شتر سالم وبدون عيب که خیلی لاغر نباشند .
 - ۲ - دويست گاو سالم و بدون عيب که خیلی لاغر نباشند .
 - ۳ - یکهزار گوسفند سالم و بدون عيب که خیلی لاغر نباشند .
 - ۴ - دويست دست لباس سالم از حله های يمنی
 - ۵ - یکهزار دينار مسکوک سالم و غير مغشوش که هردينار يك مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است .
 - ۶ - ده هزار درهم مسکوک سالم و غير مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می باشد .
- تبصره ۱ - قيمت هر يك از امور ششگانه در صورت تراضی طرفين ويا تعذر همه آنها پرداخت می شود.
- تبصره ۲- میزان ديه اقليت های دينی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ايران با نظر ولی امر است که توسط قوه قضائيه استعلام و به دادگاهها ابلاغ می شود. دادگاهها مکلفند مطابق نظر مذکور و با رعايت ساير مقررات اين قانون از قبيل جنسيت مجنی عليه و زمان وقوع جنايت رای مقتضی صادر کنند. اصلاحی مطابق قانون الحاق يك تبصره به ماده (۲۹۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۱۳۹۱
- تبصره ۳ (الحاقی ۶/۱۰/۱۳۸۲/۲۰۰۲ مجمع تشخيص مصلحت نظام)- طبق نظر حکومتی ولی امر، ديه اقليت های دينی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ايران به اندازه ديه مسلمان تعيين می گردد.^{۲۷}
- به موجب بخشنامه ۸ خرداد ۱۳۸۷ قوه قضائيه ديه زن و مرد، مسلمان و غير مسلمان صرفا در تصادفات رانندگی منجر به مرگ مساوی است.

ماده ۵۴۹ - موارد ديه کامل همان است که در مقررات شرع تعيين شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رييس قوه قضائيه به تفصيل بر اساس نظر مقام رهبری تعيين و اعلام می شود (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱۳/۲۰).

ماده ۵۵۴ - بر اساس نظر حکومتی مقام رهبری، ديه جنايت بر اقليت های دينی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ايران به اندازه ديه مسلمان تعيين می گردد (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱۳/۲۰).

^{۲۷} - نظريه ۷/۶۲۵۷- ۱۳۸۴/۹/۲ اداره کل امور حقوقی قوه قضائيه: با توجه به قانون الحاق يك تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی که ديه اقليت های مذهبی را نیز به میزان ديه فرد مسلمان تعيين کرده است و فرقی بين ماه های حرام و غير حرام قائل نشده است لذا فاضل ديه نیز به اقليت های مذهبی تعلق می گيرد.

ماده ۸۸۱ مکرر (الحاقی آزمایشی ۸/۱۰/۱۳۶۱/۱۹۸۲)- کافر از مسلم ارث نمی برد و اگر در بين ورثه متوفای کافری مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی برند اگر چه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند.

ماده ۲۰۰ - دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است .

ماده ۵۵۰ - دیه قتل زن، نصف دیه مرد است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱۳/۲۰).

* قوانین متفرقه (۱۲۸۵-۱۳۵۷ش؛ ۱۹۰۶-۱۹۷۹) The Other Regulations

قانون مطبوعات ۲۴ محرم ۱۳۲۶/۸/۱۹۰۸

ماده ۴- طبع کتب متداوله، غیر از کتب ممنوعه و کتب جدید و غیر از کتب مذهبی، آزاد است. کتب جدید مذهبی باید قبل از طبع به نظر ممیزی هیئتی که در اداره معارف به نام مجمع علوم دینی تشکیل می شود، رسیده و تصویب شده باشد. <http://www.dastour.ir/brows/?lid=2600>

قانون مالیاتهای مستقیم (اصلاحیه ۱۲/۲۸/۱۳۴۵/۱۹۶۶) منسوخ شده

ماده ۲ - اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات بر درآمد به شرح زیر نمی باشند:

<http://www.dastour.ir/brows/?lid=%20%20%20%20%2061011>

۱ - اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت شهبانو و والاحضرت ولایتعهد.

۳ - رؤسا و اعضای مأموریت‌های کنسولی خارجی در ایران و همچنین کارمندان مؤسسات فرهنگی دول خارجی نسبت به حقوق دریافتی از دول متبوع خود به شرط معامله متقابل.

۴ - کارشناسان خارجی که با موافقت دولت ایران از محل کمکهای بلاعوض فنی و اقتصادی و علمی و فرهنگی دول خارجی یا مؤسسات بین‌المللی به ایران اعزام می‌شوند نسبت به حقوق دریافتی آنان از دول متبوعه یا مؤسسات بین‌المللی مذکور.

شده باشند.

۷ - موقوفات آستان قدس رضوی - مسجد گوهرشاد - آستانه حضرت معصومه - آستانه حضرت عبدالعظیم - شاه نعمت‌الله ولی - شاه چراغ - مدرسه عالی سپهسالار سلطان علی شاه گنابادی - مسجد سلطانی تهران - سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی - شیر و خورشید سرخ - بنیاد پهلوی - سازمان بیمه‌های اجتماعی - بنگاه حمایت مادران و نوزادان.

۱۰ - انجمنهای مربوط به اقلیتهای مذهبی زرتشتی - مسیحی - کلیمی که درآمد آن به وسیله هیأت‌های رسمی ملی صرف معابد و امور تعلیم و تربیت و بهداشت می‌شود، مشروط بر این که رسمیت انجمنها یا هیأت‌های مزبور به تصویب مراجع رسمی مذهبی آنها و وزارت کشور رسیده باشد.

آیین نامه اجرایی بندهای ۸ و ۹ و ۱۰ ماده ۲ قانون مالیات های مستقیم مصوب بیست و هشتم اسفندماه ۱۳۴۵ موضوع معافیت مالیاتی موقوفات عام و موسسات عام المنفعه و انجمن های مربوط به اقلیتهای مذهبی.^{۲۸}

آیین نامه اجرایی معافیتهای مالیاتی (۱۹۶۷/۱۳۴۶)

فصل سوم- معافیت انجمنهای اقلیتهای مذهبی موضوع بند ۱۰

ماده ۱۴- انجمنهای مربوط به اقلیت های مذاهب زردشتی- کلیمی- مسیحی هنگامی می توانند از معافیت موضوع بند ۱۰ ماده ۲ قانون مالیاتهای مستقیم استفاده کنند که رعایت مقررات این فصل را بنمایند.

ماده ۱۵- هیئتهای رسمی ملی انجمنهای مورد بحث مکلفند گواهی لازم مبنی بر رسمیت انجمن یا هیئتهای مزبور را از مرجع رسمی مذهبی مربوط خود تحصیل و برای تصویب وزارت کشور تسلیم کنند.

ماده ۱۶- وزارت کشور گواهی رسمیت انجمنهای مذکور را با رعایت مقررات مربوط در دو نسخه صادر کرده و یک نسخه آنرا به اداره دارائی اقامتگاه انجمن ارسال خواهد داشت.

* قوانین متفرقه (۱۳۵۷-۱۳۸۶؛ ۱۹۷۹-۲۰۰۶) The Other Regulations

* قانون فعالیت احزاب، ... اقلیتهای دینی (۱۹۸۲/۱۳۶۱/۳/۳۰)

فصل چهارم - انجمنها، احزاب و معابد اقلیتهای دینی

ماده ۳۷ - متقاضیان تشکیل انجمن اقلیتهای دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی باید همگی از اعضای يك اقلیت شناخته شده باشند.

ماده ۳۸ - در مرامنامه تشکیل انجمن باید اهداف کاملاً مشخص و در برگیرنده حل مشکلات و مسائل دینی فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.

تبصره ۱ - مسائل دینی شامل موارد زیر می باشد.

الف - برگزاری مراسم مذهبی عادی

ب - برگزاری جشنها و اعیاد و مراسم سوگواری مذهبی

ج - برگزاری سخنرانیها و یا سمینارهای تبلیغی

د - نشر کتب و مقالات و مجلات مذهبی

ه - دعوت از مبلغین مذهبی سایر کشورها

و - تعمیر معابد و امکنه مقدسه

تبصره ۲ - بررسی مسائل فرهنگی شامل موارد زیر می باشد.

الف - نشر زبان خاص مربوط به خود از طریق تشکیل کلاسهای خصوصی و نشریه

^{۲۸} روزنامه رسمی ۱۳۴۶- تاریخ تصویب: ۱۳۴۶/۱۱/۲۴- مرجع تصویب: مجلس شورای ملی - کمیسیون دارائی

ب - ایجاد مدارس و سایر مؤسسات فرهنگی مانند چاپخانه، زبانکده و هنرکده
تبصره ۳ - بررسی مسائل اجتماعی شامل موارد زیر می‌باشد.

الف - ایجاد صندوق و مؤسسات خبریه

ب - ایجاد مراکز درمانی

ج - ایجاد تعاونیه‌های تولید و توزیع

د - ایجاد مهد کودک و مراکز نگهداری سالمندان

ه - ایجاد باشگاه‌های ورزشی و تفریحات سالم

و - برگزاری مراسم و اعیاد قومی

ز - انجام گردشهای علمی، تفریحی و مذهبی

ماده ۳۹ - کلیه موارد مطرح شد که در ماده ۳۸ و تبصره‌های ذیل آن نباید ناقض قوانین و مقررات مملکتی باشد و تشخیص انطباق یا عدم آن به عهده کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب می‌باشد.

ماده ۴۰ - اساسنامه انجمن اقلیتهای دینی علاوه بر شرایط قید شده در تبصره ۳ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون احزاب باید در برگیرنده نکات زیر باشد.

الف - رابطه انجمن با سایر اقلیتهای دینی

ب - رابطه انجمن با همکیشان سایر کشورها

د - رابطه انجمن با همکیشان خارجی مقیم ایران

ه - رابطه انجمن با همکیشان ایرانی مقیم خارج

ماده ۴۱ - انجمنهای مذاهب مختلف یا اقلیت می‌توانند تشکیل يك انجمن مشترك دهند.

- اصلاح قانون ثبت احوال (۱۹۸۴/۱۳۶۳/۱۰/۲۴)

ماده ۹ - ماده ۲۰ قانون مذکور (مصوب ۱۹۷۷/۱۳۵۵) به شرح زیر اصلاح و ۶ تبصره به آن الحاق می‌گردد:
ماده ۲۰ - انتخاب نام با اعلام‌کننده است، برای نامگذاری يك نام ساده یا مرکب (حسین، محمد مهدی و مانند آن) که عرفاً يك نام محسوب می‌شود انتخاب خواهد شد.

تبصره ۱ - انتخاب نامهایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نامهایی زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس ممنوع است.

تبصره ۲ - تشخیص نامهای ممنوع با شورای عالی ثبت احوال می‌باشد و این شورا نمونه‌های آن را تعیین و به سازمان اعلام می‌کند.

تبصره ۳ - انتخاب نام در مورد اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی تابع زبان و فرهنگ دینی آنان است.

تبصره ۴ - در اسناد سجلی اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی کشور نوع دین آنان قید می‌شود.

تبصره ۵ - ذکر سیادت در اسناد سجلی ساداتی که سیادت آنان در اسناد سجلی پدر و یا جد پدری مندرج باشد و یا سیادت آنان به دلایل شرعی ثابت‌گردد الزامی است مگر کسانی که خود را سید ندانند و یا عدم سیادت آنان شرعاً

احراز شود.

تبصره ۶ - مراتب تشرف پیروان ادیان دیگر به دین مبین اسلام همراه با تغییرات مربوط به نام و نام خانوادگی آنان در اسناد سجلی ثبت می‌شود.

- قانون مالیاتهای مستقیم (اصلاحیه ۱۹۸۷/۱۳۶۶/۱۲/۳)

ماده ۲ - اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات‌های موضوع این قانون نمی‌باشند.

۱ - وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و دستگاههایی که بودجه آنها وسیله دولت تأمین می‌شود و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها که به صورتی غیر از شرکت طبق قوانین تأسیس شده باشند.

۲ - جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های پس‌انداز بازنشستگی، مدارس علوم اسلامی، جامعه‌الامام‌الصادق (ع) و نهادهای انقلاب اسلامی و صندوق عمران موقوفات کشور مادام که درآمد صندوق مزبور صرف امور عمران موقوفات و تأمین هزینه‌های سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌گردد.

تشخیص مدارس علوم اسلامی به عهده شورای مدیریت حوزه علمیه قم و نهادهای انقلاب اسلامی با هیأت وزیران است.

۵ - انجمن‌ها یا هیأت‌های مذهبی مربوط به اقلیت‌های دینی مذکور در قانون اساسی مشروط بر این که رسمیت آنها به تصویب وزارت کشور رسیده و درآمد و هزینه آنها توسط سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تأیید شده باشد.

قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش (۱۳۷۴/۶/۱۴ / ۱۹۹۵)

ماده ۱ - گزینش مربیان پرورشی، معلمان و کلیه کارکنان آموزش و پرورش بر اساس فرمان مورخ ۱۵، ۱، ۱۳۶۱ حضرت امام خمینی به شرح زیر خواهد بود:

ضوابط:

ماده ۲ - ضوابط عمومی گزینش اخلاقی، اعتقادی و سیاسی کارکنان آموزش و پرورش و علاوه بر داشتن شرایط عمومی استخدام، (صلاحیت علمی و توانائی جسمی و روانی)، به قرار ذیل است:

۱ - اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲ - التزام عملی به احکام اسلام.

۳ - اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی.

۴ - عدم اشتغال به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق.

۵ - عدم سابقه وابستگی تشکیلاتی، هواداری از احزاب و سازمان‌ها و گروه‌هایی که غیر قانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده و یا می‌شود مگر آن که توبه ایشان احراز شود.

۶ - عدم سابقه محکومیت کیفری مؤثر.

۷ - عدم اعتیاد به مواد مخدر.

تبصره ۱ - در خصوص بند ۲ اقلیت‌های مذهبی مصرح در قانون اساسی از نظر اعتقادی و عملی با رعایت قوانین و مقررات مربوطه تابع شرائط خاص خود می‌باشند و در هر حال نباید متجاهر به نقض احکام اسلامی باشند.

تبصره ۲ - ایثارگران در گزینش دارای اولویت می‌باشند و در موارد محدودیت ظرفیت و کثرت تقاضا، ملاک‌های تقدم (مانند مناطق محروم، فعالیت در نهادهای انقلاب، شرکت در نماز جمعه و جماعات، پوشش چادر برای خواهران) نیز نسبت به داوطلبان اعمال می‌گردد.

قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی (۱۳۷۵/۲/۹)

ماده واحده - به منظور اجرای کامل فرمان حضرت امام (ره) و اعمال سیاست واحد در گزینش‌های سراسر کشور، امر گزینش و اجرای ضوابط و مقررات مربوط به آن در کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شرکت‌های ملی نفت و گاز و پتروشیمی، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان صنایع ملی ایران، جمعیت هلال احمر، شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، بانک‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، مؤسسات و شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از بودجه آن‌ها از بودجه عمومی تأمین می‌شود و همچنین گزینش کارکنانی که به دستگاه‌های مشمول قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مأمور یا منتقل گردند و نهادهای انقلاب اسلامی تابع احکام مقرر در قانون مذکور خواهند بود.

- قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوبه ۱۳۷۲/۹/۱۷)

ماده ۸ - تخلفات اداری به قرار زیر است:

۱ - اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری.

۵ - اخاذی.

۶ - اختلاس.

۱۲ - ارتباط و تماس غیر مجاز با اتباع بیگانه.

۱۷ - گرفتن وجوهی غیر از آن چه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هر گونه مالی که در عرف رشومخواری تلقی می‌شود.

۲۰ - رعایت نکردن حجاب اسلامی.

۲۱ - رعایت نکردن شئون و شعایر اسلامی.

۲۳ - استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر.

۳۴ - عضویت در یکی از فرقه‌های ضاله که از نظر اسلام مردود شناخته شده‌اند.

۳۶ - عضویت در سازمانهایی که مرامنامه یا اساسنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها.

۳۷ - عضویت در گروه‌های محارب یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها.

۳۸ - عضویت در تشکیلات فراماسونری.

قانون مرخصی ویژه اقلیتهای دینی

بخشنامه شماره ۲۰۳۰۲/۲۸۵۱۸ مورخ ۱۳۷۸/۵/۳۰ (۱۹۹۹) سازمان امور اداری و استخدامی کشور. پیرو بخشنامه‌های شماره ۹۹۴۱۶ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۳، شماره ۱۰۶۳۲ مورخ ۱۳۶۹/۱/۲۹ و شماره ۱۰۰۴۶ مورخ ۱۳۷۲/۷/۵ و نظر به تأکید بر حقوق ایرانیان زرتشتی، کلیمی، و مسیحی در اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص انجام مراسم دینی طبق آیین‌نامه مربوط و با عنایت به احترام دولت و ملت اسلامی ایران نسبت به اعیاد مذهبی و مناسبتهای قومی پیروان ادیان و مذاهب مختلف، مقتضی است کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی در خصوص اعطای مرخصی استحقاقی به کارکنان اقلیتهای دینی در ایام اعیاد مذهبی و مناسبتهای ویژه، به شرح تکمیلی پیوست همکاری لازم مبذول دارند.

- فهرست اعیاد مذهبی و مناسبتهای قومی اقلیتهای زرتشتی، کلیمی و مسیحی

الف - اعیاد مذهبی و مناسبتهای ویژه اقلیت زرتشتی

- تولد زرتشت پیامبر (زاد روز آشو زرتشت)

- روز بزرگداشت شهدا و درگذشتگان

- جشن مهرگان

- درگذشت زرتشت پیامبر (درگذشت آشو زرتشت)

- جشن سده

ب - اعیاد مذهبی و مناسبتهای ویژه اقلیت کلیمی

- پسخ عید فطیر

- شاو و عوت (نزول تورات)

- روش هسانا (اول سال نو)

- کیپور (روزه بزرگ)

- سوکرت (عید سابیانه)

- پوریم

ج - اعیاد مذهبی و مناسبتهای ویژه مسیحیان آشوری

- عيد ميلاد مسيح (ع)
- سال نو ميلادی
- عيد تعميد حضرت مسيح(ع)
- روزه نينوا
- عيد اوشانا
- عيد پاك
- عيد عروج مسيح (ع)
- عيد نيطيكاست
- د - اعياد مذهبی و مناسبتهای ویژه مسیحیان ارمنی كاتوليك
- عيد ميلاد مسيح (ع)
- عيد سال نو ميلادی
- عيد تعميد مسيح(ع)
- عيد رهبران مذهبی ارامنه
- عيد شهدای وارطاناش
- عيد پاك
- روز شهدای ارمنی
- هـ - اعياد مذهبی و مناسبتهای ویژه مسیحیان ارمنی گريگوری
- روز مسروب مقدس
- سال نو مسیحی
- تولد و غسل تعميد مسيح (ع)
- روز وارطان مقدس
- عيد پاك
- روز شهدای ارمنی

- آیین‌نامه نحوه پرداخت یارانه به احزاب و گروه‌های مشمول از جمله اقلیتهای دینی شناخته شده
(۲۰۰۱/۱۳۸۰، ۰۸، ۳۰)

شماره ۳۸۴۸۰. ت ۲۵۵۶ هـ ۱۳۸۰، ۹، ۱۷ وزارت کشور
هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۰، ۸، ۳۰ بنا به پیشنهاد شماره ۸۲۵۳۵، ۱، ۱۱ مورخ ۱۳۸۰، ۸، ۲۱ وزارت کشور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه نحوه پرداخت یارانه به احزاب و گروه‌های مشمول «قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده را به شرح زیر تصویب نمود:

ماده ۱- پرداخت یارانه‌های تخصیصی طبق دستورالعملی که متعاقباً توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب کمیسیون ماده (۱۰) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده - مصوب ۱۹۸۱/۱۳۶۰ می‌رسد انجام می‌گیرد.

- تخصیص اعتبار به وزارت کشور به منظور کمک جهت انجام امور اقلیتهای دینی

شماره : ۴۷۴۸۱ ت ۲۹۷۲۹ - تاریخ : ۲۰۰۳/۱۳۸۲، ۰۹، ۰۴
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۲، ۸، ۲۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۵۹۶۶۷، ۱۰۱، ۱ مورخ ۱۳۸۲، ۸، ۲۲ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به استناد ماده (۵۵) قانون محاسبات عمومی کشور - مصوب ۱۳۶۶ - تصویب نمود:

- ۱ - مبلغ هشت میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون (۸۷۵۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال از محل اعتبار ردیف ۵۰۳۰۰۱ (هزینه‌های پیش‌بینی نشده) قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور، به منظور کمک جهت انجام امور اقلیتهای دینی در اختیار وزارت کشور قرار گیرد تا برابر قوانین و مقررات مربوط به مصرف برسد.
- ۲ - به استناد بند (ت) تبصره (۱) قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور، اعتبار یادشده به صورت خارج از شمول قانون محاسبات عمومی هزینه خواهد شد.

*** آخرین تغییرات**

در وب سایت زیر می‌توانید آخرین تغییرات پس از سال ۱۳۸۷ را ملاحظه کنید.

<http://www.dastour.ir/>